



اساس سوسیالیسم انسان است،
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۱۸

یک دنیای بهتر

نشریه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity faction of WPI

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۹ مه ۲۰۰۷ - ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۶

یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

در ادامه اول مه

اول مه امسال برای رژیم اسلامی گران تمام شد. برنامه هایشان بهم ریخت و علیرغم سرکوب خشن کارگران، اول مه با قامت افراشته به جهان مخابره شد. اول مه امسال تصویر واقعی تر اعتراض در ایران است. اعتراض کارگر به سرمایه داری و فقر و تبعیض، اعتراض به نابرابری و منشا آن، اعلام نفرت از سرمایه داری و سخنگویان حامی سرمایه دار، تاکید بر اتحاد بعنوان قدرت اجتماعی و طبقاتی کارگر. رهبران کارگران و برگزارکنندگان مراسم سنج زدن اند. اما در زندان هم اول مه بقیه رژیم اسلامی را ول نمیکند! بیرون زندان اعتراض و اجتماع و مذاکره برای آزادی دستگیر شدگان ادامه دارد. در گوشه های دیگر فعالین کارگری دنبال تامین زندگی خانواده های دستگیر شدگان هستند. در خارج کشور اعتراض علیه رژیم و محکوم کردن آن توسط سازمانهای کارگری در جریان است. همه این اوضاع نشان میدهد که تدابیر رژیم برای جلوگیری از اول مه شکست خورد، دستگیری محمود صالحی و دیگر فعالین کارگری به ضد خود تبدیل شد، تلاش برای برپائی مراسمهای دولتی بنام روز کارگر و مجیزگونی آقا شکست خورد، سرکوب و اعلام نداشتن مجوز نتوانست فعالین کارگری را از برگزاری اول مه منصرف کند، و حمله به مراسمها و دستگیری فعالین کارگری هم پایان ماجرا نیست.

جمهوری اسلامی باید بپذیرد که دیر زمانی است که نمیتوان جلوی اعتصاب و اجتماع را گرفت. اگر خود پیغمبر اسلام هم همین امروز آیه

صفحه ۲۷

دو گزارش از اجتماع دیروز معلمان در تهران

صفحه ۲-۳

جایگاه و چشم انداز فراکسیون در جنبش کمونیسم کارگری خسرو دانش

صفحه ۱۲



پاسخ به یک سوال آیا در کنگره ششم حزب کمونیست کارگری شرکت میکنم؟

علی جوادی

صفحه ۹



توحش اسلامی در دامن نظم نوین جهانی در مراسم سنگسار دعا ۱۷ ساله سنگ تمام گذاشت! شهلا نوری

صفحه ۲۴

جمهوری اسلامی در استکھلم پاسخ دندان شکن گرفت!

چند خبر و اطلاعیه



صفحه ۴

اتحاد کمونیسم کارگری

پاسخ به دو سوال

علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی

صفحه ۱۵

بیانیه فراکسیون؛

بسوی اتحاد صفوف جنبش کمونیسم کارگری!

صفحه ۲۲

فعالین اول مه سنندج و سقز باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند!

Worker activists in Sanandaj and Saqez who arrested for 1 may rally, should be free immediately



محمود صالحی
Mahmoud Salehi



صدیق گریبی
Sedigh Gharibi



شیب انانی
Shib Anani



خلیل میرازی
Khalil Mirazi

Eqbal Latifi

Yadolah Moradi

Najmedin rajabi

Faroq Gawilian

Anwar Mafakheri

Sedigh Amjadi

Habibolah Kalakani

Mahyedin Rajabi

Sedigh Sobhani

Tayeb Katani

اقبال لطیفی

یدالله مرادی

نجمه الدین رجبی

فاروق گویلیان

انور مفاخری

صدق امجدی

حبیب الله کلکانی

محی الدین رجبی

صدیق صبحانی

طیب چتانی



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker - communist Party of Iran

نامه و سند جدید فراکسیون به رهبری حزب
پاسخ رفیق حمید تقوانی و پاسخ فراکسیون

صفحه ۱۰

صفحات دیگر؛ بیانیه دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک، نامه ها، ... و ستون آخر

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در تهران چه گذشت!!!!؟

کانون صنفی معلمان تهران

آفتاب گرم بهاری چهره ها را سیاه کرده بود، برخی از راه های دور آمده بودند، نگرانی از سرو روی همه می بارید .

گوشه ای از بهارستان تعقیب و گریز بود. گوشه ای دیگر رفت و آمد به کندی انجام می شد. ماموران نیروی انتظامی همه جا بودند ، تا چشم کار می کرد آدم ایستاده بود. هر چند متر یک نفر را با باتوم کاشته بودند. دسته ای از معلم ها دوان دوان می رفتند و چند نفر پشت سر آنها با باتوم و مشت و لگد می زدند. چند تا از زنان را که در این تعقیب و گریز توان کربختن را نداشتند، زیر باتوم از پا افتادند. برخی از ماموران ارشد اطلاعات هم خونسرد گوشه ای ایستاده بودند. هرگاه چند نفر از معلمان دور هم جمع می شدند ، شعار دادن را آغاز می کردند، "معلم زندانی آزاد باید گردد".

هر بار این فریاد سر داده می شد مامورها به سمت شعاردهندگان حمله می کردند و با مشت و لگد به جان زن و پیرو جوان می افتادند.

خیابان شلوغ بود. گروهی لباس شخصی وارد جمعیت شدند. ابتدا جمعیت را به دو تکه تقسیم کردند سپس هر دسته را نیز به دو دسته تقسیم نمودند. آنگاه با مشت و لگد و باتوم به جان هر

دسته افتادند و همه را متفرق کردند اما کار به همین پایان نیافت. در هر گوشه عده ای معلم جمع شدند و فریاد زدند "معلم زندانی آزاد باید گردد". تا ساعت ۱۷ این روند ادامه داشت. جمعیت گروهی به سمت چهارراه استانبول و گروهی به سمت پل چوبی به راه افتادند. گروه بسیاری از دیگر استانها هم به تهران آمده بودند و با لهجه های گوناگون گفتگو می کردند .

داخل خیابان جمهوری بودیم از روبرو دسته ای از نظامی ها آمدند. حمله کردند از دم همه را می زدند و قیچی می کردند. میزدند و روی زمین می انداختند. زمین افتادگان را دستگیر می کردند و به جلو پیش می آمدند. پشت سر را نگاه کردیم گروهی دیگر از نظامی ها پشت سرمان را نیز بسته بودند. از دو طرف به جان معلم ها افتادند. تعداد زیادی را زدند و تعداد رانیز دستگیر کردند.

اسامی دستگیر شدگانی که تاکنون گزارش شده است:

خانم ثریا دارابی سردبیر هفته نامه ی قلم معلم (همسر محمد خاکساری)

سجاد خاکساری (پسر ارشد محمد خاکساری)

سرکار خانم میرزایی

بیانیه دانشجویان سوسیالیست پلی-تکنیک پیرامون وقایع اخیر دانشگاه

دانشجویان آگاه پلی-تکنیک

چندی است که سایه شوم کودتای فرهنگی بر سر دانشگاه سنگینی میکند. توقیف نشریات دستگیری فعالین دانشجویی، ممنوع ورود کردن دانشجویان فعال، تعلیق کانون های فرهنگی هنری ... این همه نقطه ی عطفی است در پروژه ننگین حاکمیت. این پروژه با حضور احمدی نژاد در مسند قدرت و یکدست شدن حاکمیت و روی کار آمدن روسای انتصابی بابازنشستگی اجباری اساتید منتقد، اعمال محدودیت بر فعالیت های فرهنگی هنری، تضعیف نقش شوراهای صنفی دانشگاه، احکام سنگین کمیته سرکوب دانشگاه، ستاره کردن دانشجویان فعال و جلوگیری

از ادامه تحصیل آنها و ایجاد فضای پلیسی در دانشگاه کلید خورد. اما ظاهراً همه این ترندها برای سرکوب دانشگاه هنوز خواست حاکمیت را برآورده نساخته است.

هنوز دانشگاه اسلامی نشده است. هنوز صدای مخالف از دانشگاه به گوش می رسد. برگزاری مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه های سراسر کشور و در پی آن مفتضح شدن رییس دولت اسلامی در پلی تکنیک بیانگر بی نتیجه بودن اقدامات سرکوبگرانه بود. به تدریج سرکوبگران به این نتیجه می رسند که باید به شدیدترین شکل با دانشگاه برخورد کنند، انتشار نشریات جعلی توسط عوامل اطلاعاتی و بسیج حلقه دیگری از زنجیره سرکوب است.

توقیف غیر قانونی نشریات ممنوع ورود کردن دانشجویان فعال بازداشت دو تن از دانشجویان و احضار ۲۵ تن از دانشجویان به کمیته-ی سرکوب پیامد این اتفاق ها است. اتفاقات چند روز اخیر نشان از کشیده شدن جنگ قدرت بین اصلاح طلبان و اصول گرایان به دانشگاه است. (در موضعی که از سویی روزنامه های این دو جناح کیهان و اعتماد ملی پیرامون وقایع اخیر اتخاذ شده تامل کنید).

پلی تکنیک به عنوان پایگاه مهم اصلاح طلبان محل مناسبی برای این جنگ قدرت است اصلاح طلبانی که خود از مجریان اصلی انقلاب فرهنگی پیشین بوده-اند و اینک انقلاب فرهنگی را در تضاد با منافع خود می-بینند. بیانیه-های شاخه-ی دانشجویی جبهه-ی مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب و موضع-گیری انجمن اسلامی دانشگاه از یک سو و رویکرد حامیان احمدی-نژاد و روزنامه-ی کیهان و بسیج از سوی دیگر صف-بندی این دو جناح مقابل یکدیگر در این جریان است. در این میان دانشجویان آگاه باید با

دوری جستن از دعوی جناحین، در پی طرح مطالبات واقعی خود باشند و با در نظر داشتن دانشگاه به عنوان بخشی از جامعه (و نه جدای از آن) مطالبات و اعتراضات خود را به سطح دانشگاه محدود نکنند و از این حربه-ی حاکمیت در منحرف ساختن توجه دانشجویان از جنبش-های اعتراض-آمیز مانند جنبش کارگران و معلمان و جلوگیری از همبستگی این جنبش-ها آگاه باشند. همزمانی این جریانات را با اول ماه مه (روز جهانی کارگر) و اعتصابات معلمان در نظر آورید.

حاکمیت با متشنج کردن فضای دانشگاه-ها و بهره برداری از آن، در پیاده-سازی پروژه-ی کودتای فرهنگی موفق-تر خواهد بود و خواستار ملتبه شدن فضای دیگر دانشگاه-ها می-باشد. بنا بر این دانشجویان باید با جلوگیری از کشانده شدن این درگیری-ها به سایر دانشگاه-ها، در پلی-تکنیک به اعتراضات رادیکال خود ادامه دهند. و در مقابل کودتای فرهنگی متحد شوند.

خواسته-های ما در اولین گام چنین است:

آزادی فعالین دانشجویی در بند

انحلال کمیته-ی سرکوب (شورای انضباطی دانشگاه)

حق برپایی تشکل-های مستقل دانشجویی

تعطیلی نهاد-های غیر دانشجویی مستقر در دانشگاه

برچیده شدن فضای پلیسی دانشگاه

لغو توقیف نشریات دانشجویی

رفع تعلیق فعالیت کانون-های فرهنگی و هنری

زنده باد آزادی و برابری

دانشجویان سوسیالیست

پلی تکنیک

گزارش کامیار آزادمهر، تهران معلمان شدیداً سرکوب شدند!

امروز ساعت یک بعد از ظهر میدان بهارستان صحنه وحشیگری و سرکوب نیروهای مرتجع حکومتی بوده است. حکومت که خود را کاملاً در مقابل اعتراضات درمانده دیده است این بار سخت تر از همیشه دست به سرکوب اجتماع معلمان زده و حدود هزار نفر از نیروهای ضد شورش خود را در محل تجمع مستقر کرده بود و این جدا از نیروهای لباس شخصی بوده که در گوشه کنار خیابان به شناسایی و دستگیری معلمان پرداخته بودند.

در خیابان های فرعی نیز نزدیک به پنجاه عدد ماشین های ضد گلوله مستقر شده بودند که در صورت نیاز به کمک آن هزار نفر پلیس ضد شورش آمده و مردم بی دفاع را سرکوب کنند. مترو بهارستان را بسته بودند و قطارها بدون توقف از این مسیر می گذشتند و در گوشه و کنار خیابان می توانستی معلمانی را ببینی که برای اعتراض از گوشه و کنار کشور جمع شده و حاضر به ترک محل نبودند.

عده ای به آرامی در خیابان به سمت بالا و پایین حرکت می کردند و عده ای در قسمتی دور از میدان تجمع کرده بودند اما نیروهای حکومت هر کجا معلمی را شناسایی می کردند بدون هیچگونه اتلاف وقتی اقدام به دستگیری می کردند. هیچ کس حق توقف در کنار خیابان های اطراف مجلس را نداشت و در صورت مخالفت با خواسته مامورین به شدت مورد ضرب و شتم آن ها قرار می گرفت. گاهی تجمعی از معلمان را می دیدی که در چند خیابان بالاتر یا پایین تر جمع می شدند و

شعار معلم زندانی آزاد باید گردد سر می دادند و بعد مزدوران حکومتی بودند که گروه گروه به آن سمت حرکت می کردند و در حالیکه تعدادشان به راحتی دو برابر معلمان بود به ضرب و شتم معلمان می پرداختند. آن ها را به روی زمین می کشیدند و دستگیر می کردند. در این میان چند زن مسن جلب توجه می کردند که در یکی از تعقیب و گریزها به روی زمین افتاده و به شدت مجروح شده بودند و در حالیکه با همان وضع در کنار خیابان نشسته بودند مورد هجوم نیروهای امنیتی قرار گرفتند و مجبور به ترک محل شدند یکی از زن ها تقریباً خود را روی زمین می کشید و بدون کمک بقل دستیش قادر به ترک محل نمی بود.

یکی از مزدورهای لباس شخصی ابتکار عمل به خرج داده و خود را جای یک روزنامه نگار جوان جا زده بود که از مردم در مورد وضعیت موجود سوال می کرد و کسی که از ماجرا اطلاع داشت حتماً خود عضو معترضین است و محکوم به خوردن چماق، فارغ از این واقعیت که آن شخص ممکن است از طریق اخبار و رسانه های مختلف یا از طریق مردم از موضوع با خبر شده باشد.

اما همه این سرکوب ها به جایی جز نابودی رژیم ختم نخواهد شد و مبارزه وسیع بخشهای مختلف مردم ایران در حال شکل گیری است. اتحاد کلید پیشروی است. با اتحاد و اعتراض گسترده و سازمان یافته می توان این جانپان را از پای در آورد. تمام رفتارحکومت نشانگر ترس آن ها از این واقعیت است.

نمایشگاه کتاب مصلاي تهران

نیما نامی

با چند نفر از دوستان برای بازدید از نمایشگاه کتاب به مصلاي تهران رفتیم که جدیداً تغییر کاربری داده و از مسجد به نمایشگاه تبدیل شده است. احتمالاً دولت سعی بر این دارد که همانند ۱۴۰۰ سال پیش عربستان تمام مراکز علمی و فرهنگی را در مسجد ها متمرکز کند که ترافیک تهران در این مورد به اندازه کافی (که نباید زیاد هم مهم باشد) بهانه به دست ایشان داد.

وقتی وارد مسجد شدیم ابتدا یک نقشه از نمایشگاه و مکان غرفه های آن تهیه کردیم که چندان هم از آن سر در نیاوردیم. زیرا غرفه ها تمام در یک مکان قرار گرفته بود و نمی توانستی مکان دقیق انتشارات و یا غرفه ای با موضوع مورد نظر خود را در آن بیابی. برای همین پس از گذشتن از حیاط مسجد و عبور از کوهی از آشغال و زباله که زیر پا و نه در سطل های آشغال (که اصلاً وجود خارجی نداشتند) ریخته شده بودند به بخش راهنمای نمایشگاه رفتیم که پیدا کردن آن مکان در مسجد درندشت بدون تابلو و نقشه درست و حسابی خود داستانی بود. این تنها مشکل ما نبود و هر کسی که می دیدی از این وضعیت کلافه بود. اما وقتی خواستم که متصدی قسمت راهنمایی غرفه کتاب های الکترونیک را به ما نشان بدهد متوجه شدم که این قسمت که در سال های پیش یک ساختمان مجزا را به خود اختصاص داده بود به کل حذف شده است و همچنین بسیاری از انتشارات پر فروش سال قبل نیز از این حذفیات در امان نمانده اند. وقتی دوستان دیگر در مورد انتشارات خاص یا کتابی خاص سوال کردند یا جوابی نگرفتند یا به بالای ۳ غرفه راهنمایی شدند که خودشان آن ها را برگردند و پیدا کنند یا اینکه چنین موضوع و کتابی وجود ندارد.

بعد نا امید شدن از بخش راهنمای نمایشگاه به سمت غرفه مخصوص انتشارات عمومی رفتیم که البته شبستان ضلع شمالی مسجد بوده است با سقفی ابزار کاری شده مزین به نقوش اسلامی و رنگ هایی که تنها می توانستی در آنجا این چنین هنرمندانه بیابی. ستون هایی عظیم و گنبد خانه ای که کل فضا را تحت تاثیر خود قرار می داد. یک مسجد دو ایوانی که اثری از تمام معماری های قرون گذشته را در خود داشت و من به این فکر می کردم که چه هزینه هنگفتی صرف ساختن مسجدی شده است که حتی نیمی از آن توسط نمازگزاران پر

نخواهد شد. در حالیکه میلیون ها بی خانمان و آواره در خیابان ها وجود دارد. این کاخ تنها می تواند طلبی سازندگان خود را به نمایش بگذارد.

وقتی وارد قسمت ناشران عمومی شدیم جز یکی دو غرفه به درد بخور پیدا نکردیم و بقیه پر بود از چهره هایی چون چمران و صیاد شیرازی و بهشتی و شریعتی و و این احساس به انسان دست می داد که در بین یک سری تروریست های ما قبل تاریخی و متفکرمان متحجر گیر افتاده و هر لحظه ممکن است توسط یکی از ایشان خونس مباح شود. برای خارج شدن از این فضای ناراحت کننده به قسمت انتشارات دانشگاهی رفتیم اما وضع آن جا دست کمی از مکان قبلی نداشت. انگار در ایران تنها علوم اسلامی درس داده می شود زیرا به جرات می توان گفت نود درصد نمایشگاه را غرفه هایی مملو از قرآن و علوم دینی و حدیث پر کرده بود. قرآن با جلد آبی، قرآن با جلد سبز، قرآن با جلد مخملی، و خط فلان و چند غرفه کوچک در مورد رشته های دیگر کتابهایشان را عرضه می کردند و باز هم همان عکس ها و همان احساس خفقان و نیاز به رها شدن از چنین دخمه مجللی بیش از پیش ضرورت می یافت. در آخر در هنگام بازگشت از کنار غرفه کودکان می گذشتیم چند نفر از دوستان خواستند تا از این غرفه دیدن کنند اما وقتی می خواستیم وارد غرفه شویم یک مامور جلویمان را گرفت و گفت تنها خانم ها حق ورود دارند و آن ها نیز باید با بچه هایشان وارد شوند. به هر حال از دیدن آن غرفه صرف نظر کردیم اما بعید نیست در آنجا نیز در بین نقاشی تروریست ها و امامان گیر می افتادیم. نمایشگاه کتاب همیشه برای ما جالب بود و تا وقتی بر پا بود چند باری به آنجا سر می زدیم. اما وضعیت نمایشگاه امسال طوری بود که اولین بارمان بیش از سه ساعت طول نکشید و ترجیح دادیم کتاب هایمان را در جلوی دانشگاه و بدون تخفیف خریداری کنیم تا شاهد این همه تحقیر و عقب گرد نباشیم!

اعتراض قدرتمند و گسترده مخالفان جمهوری اسلامی در محل سخنرانی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در استکلهم



اسلامی، علیه دولت سوئد که مهمان وزیر حکومت قاتلان شده است، دست به اعتراض زدند. در این میتینگ پیمان بخشایش، جمشید اطیابی و پیا اطیابی از کادرهای حزب کمونیست کارگری در محکومیت این سفر سخنرانی کردند. سخنرانان ضمن اشاره به مبارزات کارگران، دانشجویان، زنان و مردم زحمتکش در ایران و برخورد سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به این مبارزات، هر گونه سیاست مماشات با جمهوری اسلامی را محکوم کردند و خواستار قطع روابط دیپلماتیک و سیاسی با این رژیم آدمکش شدند. سپس تظاهر کنندگان با اجتماع در مقابل درب اصلی پارلمان سوئد به اعتراض خود ادامه دادند.

امروز خیابانهای استکلهم شاهد نمایشی قدرتمند از اعتراض

اعتراضی که امروز در خیابانهای استکلهم به جریان افتاد، ادامه همان اعتراضی است که در سراسر کشور ایران بر علیه جمهوری اسلامی در حال گسترش دائم است. استکلهم و تهران و سئندج و کرمانشاه به هم وصلند و یک صدا یک چیز را می خواهند: این رژیم باید برود و شرش را از سر مردم ایران خلاص کند! این خواست میلیونها انسان به تنگ آمده از حکومت جمهوری اسلامی و همچنین خواست همه کسانی است که با مبارزات مردم ایران اعلام همبستگی می کنند. درود بر همه شما مردم شریف و آزادیخواه که در تظاهراتهای امروز استکلهم این پیام را هر چه رساتر به جهانیان اعلام داشتید.

اعتراض به سفر وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ادامه می یابد!

امروز ساعت ۱۹،۲۵ عصر یک کنفرانس مطبوعاتی با شرکت کارل بیلست وزیر امور خارجه سوئد و منوچهر متکی در محل ساختمان وزارت امور خارجه سوئد برگزار شد. مخالفین جمهوری اسلامی با اجتماع در برابر



مردم آزادیخواه و مخالفان جمهوری اسلامی بر علیه رژیم اسلامی بود. وزیر رژیم قتل و کشتار هر جا که می خواست حضور پیدا کند از خشم و نفرت مردم معترض در امان نبود. شعاری که امروز در خیابانهای استکلهم از سوی مخالفین جمهوری اسلامی طنین افکن شد این بود: ما حضور جمهوری اسلامی در خارج کشور را نمی پذیریم! ما هر گونه سیاست مماشات با این رژیم را افشا خواهیم کرد و با آن به مقابله جدی برمی خیزیم!

منوچهر متکی، وزیر حکومت سرکوبگری که کارگران را فقط به خاطر اینکه مراسم اول مه برپا می کنند وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار می دهد و به زندان می اندازد، در سخنان مسخره ای سعی کرد در پز کسی ظاهر شود که گویا حق

کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران تماس گرفته و مصاحبه هائی انجام دادند که بلافاصله منعکس شد. ساعت ۱ تظاهر کنندگان محل را بقصد تجمع در محل پارلمان سوئد، جایی که قرار است ملاقات بعدی انجام گردد، ترک کردند.

مردم مبارز و جریانات چپ و کمونیست در استکلهم یکبار دیگر اجازه ندادند جنایتکاران حاکم بر ایران اجازه حضور علنی داشته باشند. نباید اجازه داد در هیچ جای دنیا به جانین جمهوری اسلامی تریبون داده شود.

حزب کمونیست کارگری بار دیگر اعلام میکند که از حضور سران و کاربدستان جمهوری اسلامی در خارج کشور ممانعت میکند و هر ملاقات و نشست دولت های غربی با جنایتکاران حاکم بر ایران را به رسوائی دعوت کنندگان تبدیل میکند.

در اعتراض به سفر وزیر جمهوری اسلامی، تظاهرات دیگری در مقابل وزارت امور خارجه سوئد برگزار شد!

در ادامه تظاهرات پر و سر و صدای امروز بر علیه دیدار رسمی منوچهر متکی وزیر امور خارجه حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی، بعد از ظهر امروز نیز یک تجمع اعتراضی دیگر در مقابل محل وزارت امور خارجه سوئد برگزار شد. همانطور که در اطلاعیه شماره ۴ به آگاهی رساندیم، قبل از ظهر امروز یک تظاهرات قدرتمند در مقابل محل سخنرانی متکی برگزار گردید که تا حدود ساعات ۱ بطول انجامید. بدنبال این حرکت گسترده اعتراضی، حدود ساعت ۲، تظاهرات دیگری در مقابل ساختمان وزارت امور خارجه دست برپا شد. تظاهرکنندگان ضمن سردادن شعارهایی بر علیه جمهوری

در اعتراض به حضور منوچهر متکی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، امروز از ساعت ۱۱ تا ۱ بعد از ظهر تظاهرات قدرتمندی با حضور صدها نفر از مخالفان جمهوری اسلامی در مقابل دانشکده دفاع ملی سوئد در استکلهم برگزار شد. قرار بود او در این محل سخنرانی داشته باشد. علیرغم حضور گسترده پلیس با تجهیزات و پلیس اسب سوار، صدها نفر از ایرانیان خشمگین در این محل تجمع کردند و این برنامه را به صحنه افشاگری از جمهوری اسلامی و دولت سوئد تبدیل کردند. سخنرانی منوچهر متکی بدلیل این تظاهرات مختل شد.

پلیس قصد داشت به بهانه فقدان مجوز جمعیت را متفرق کند اما با مقاومت قاطع مخالفان جمهوری اسلامی روبرو شد و علیرغم فشارهای پلیس تظاهرات ادامه یافت. شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی ایران، سفارت جمهوری اسلامی این لانه جاسوسی تعطیل باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، متکی قاتل است کارل بیت ریاکار است، از جمله شعارهای این تظاهرات بود. تعداد زیادی از فعالین سیاسی از تریبون آزاد در این تظاهرات پشت میکروفون رفتند و علیه حضور دولت سرکوبگر و جنایتکار جمهوری اسلامی به دولت سوئد اعتراض کردند.

حضور رسانه ها بسیار چشمگیر بود و تظاهرات بازتاب گسترده ای در رسانه ها پیدا کرد. تقریباً از همه خبرگزاریهای رسمی سوئد در محل حضور داشتند و از این تظاهرات خبر و گزارش تهیه کردند. خبرنگاران با تعدادی از مخالفان رژیم از جمله با فعالین حزب کمونیست کارگری پیمان بخشایش، خلیل کیوان، منوچهر ماسوری، ستاره ناقدی مصاحبه کردند. چندین رسانه نیز با مهین علیپور، کادر حزب و سخنگوی

تظاهرات استکھلم علیه جمهوری اسلامی...

ساختمان وزارت امور خارجه مجددا دست به اعتراض زدند و علیه جمهوری اسلامی شعار دادند. پس از پایان کنفرانس مطبوعاتی هر دو وزیر با هو کردن جمعیت معترض روبرو شدند. مردم معترض یکبار دیگر صدای اعتراض خود بر علیه جمهوری اسلامی و همچنین دولت سوئد بخاطر دعوت از متکی را بلند کردند.



از سوی دیگر در پی تظاهرات موفقیت آمیز امروز مردم معترض در استکھلم بر علیه سفر وزیر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به سوئد و انعکاس مطبوعاتی گسترده آن، این اعتراضات در شکل انجام گفتگو و مصاحبه افشاگرانه بر علیه رژیم اسلامی ادامه دارد. فردا کیمیا پازوکی سخنگوی فدراسیون سراسری پناهندگان در سوئد در برنامه رادیویی صبح PI شرکت خواهد کرد و در مورد این سفر و بخصوص رفتار تبعیض آمیز و خشونت بار جمهوری اسلامی با زنان صحبت خواهد کرد. این برنامه فردا، ۸ می، ساعت ۷،۲۰ صبح بطور زنده پخش خواهد شد. همچنین مهین علیپور سخنگوی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان فردا شب در برنامه "Argument" که از کانال یک تلویزیون سراسری سوئد پخش می شود، شرکت کرده و در مورد این سفر نظرات انتقادی خود را بیان خواهد کرد. زمان پخش این برنامه ساعت ۲۲،۰۵ خواهد بود.

لازم به توضیح است که مهین علیپور در ارتباط با تظاهرات امروز با خبرگزاری رسمی سوئد "TT" مصاحبه تلفنی کرد و دلیل مخالفت ایرانیان با سفر وزیر

جمهوری اسلامی را توضیح داد. خبرگزاری رسمی سوئد متن حرفهای مهین علیپور را منتشر کرده است که ترجمه بخشی از آن بدین قرار است:

"منوچهر متکی نمی بایست به سوئد دعوت می شد آنهم بویژه در شرایطی که جمهوری اسلامی فقط در ماههای اخیر و منجمله در جریان مراسم اول مه و روز جهانی زنان، کارگران، زنان و معلمان زیادی را مورد ضرب و شتم قرار داده و دستگیر و زندانی کرده است. دولت سوئد با دعوت متکی نشان می دهد که به مبارزات زنان و کارگران ایران اعتنایی ندارد. رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم دیکتاتوری است، رژیم جمهوری اسلامی رژیم آپارتاید جنسی است. این رژیم و سران آن باید در یک دادگاه بین المللی محاکمه و مجازات شوند و نه اینکه با آنها دیدار و گفتگو شود. جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست. رژیم سرکوبگری است که طی ۲۸ سال مخالفین را اعدام و سرکوب کرده است و حتی کودکان را نیز به دار آویخته است. این رژیمی نیست که بتوان با آن در باره دموکراسی حرفی زد. چرا که این رژیم اساسا دشمن آزادی و دموکراسی است و یکی از عوامل تروریست در عرصه بین المللی است."



مرگ بر جمهوری اسلامی ایران
زنده باد آزادی برابر حکومت
کارگری

تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران- استکھلم

۷ مه ۲۰۰۷

به مناسبت بزرگداشت روز جهانی کارگر برگزار میگردد:

شب همبستگی با کارگران ایران

An Evening of Solidarity with Workers in Iran



زمان: یکشنبه ۱۳ مه، ساعت ۷
تا ۹:۳۰ بعد از ظهر

SUNDAY, MAY 13, 2007 — 7:00 TO 9:30 P.M.

مکان: North York Civic Centre (Mel Lastman Square):

Council Chambers, Lower Level (below lobby) -
5100 Yonge St.

اجرای موسیقی زنده

نمایش اسلاید و فیلم کوتاه از ایران

سخنرانان مهمان:

دبرا بورگ، رئیس کشوری اتحادیه کارگران پست کانادا

درک بلاکدر، خبرنگار ارشد لیبراستارت، نماینده کشوری

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا

از تمامی دوستان و علاقمندان دعوت میکنیم که در این مراسم که در حمایت از مبارزات کارگران ایران از جمله برای آزادی محمود صالحی و تمامی کارگران دستگیر شده و نیز حمایت از مبارزات معلمان و سندیکای کارگران شرکت واحد و ... برگزار میگردد شرکت نمایند.

برای اطلاعات بیشتر، لطفا با شماره تلفن ۴۴۷۴۴۷-۸۲۵-۴۱۶ و یا ایمیل

info@workers-iran.org تماس حاصل نمایید.

کمیته حمایت از کارگران ایران- تورنتو

نامه اعتراضی مستول سراسری اتحادیه کارگران مونتاز استرالیا به احمدی نژاد به دستگیری فعالین کارگری

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهور عزیز

من از طرف اتحادیه کارگران مونتاز استرالیا که بیشتر از 140.000 کارگر را در سراسر استرالیا نمایندگی می کند و عضو فدراسیون جهانی کارگران مثال می باشد این نامه را برای شما می نویسم.

اتحادیه مونتاز استرالیا حکم دادگاه تجدید نظر استان کردستان را بر علیه محمود صالحی رئیس قبلی شورای صنفی کارگران خباز شهر سقز و فعال شناخته شده کارگری در ایران را محکوم می کند. آقای صالحی در تاریخ 9 اپریل در دفتر دادستان شهر سقز و قبل از اینکه حکم دادگاه تجدید نظر صادر شود دستگیر شده و فوراً به زندان مرکزی شهر سنندج انتقال یافت. دادگاه تجدید نظر صالحی را به یک سال زندان قطعی و سه سال زندان معلق محکوم کرد.

با احتساب این حقیقت که دستگیریهای اولیه و اتهامات وارده در ارتباط با فعالیتهای سازمان یافته او و برای شرکت در جشن اول ماه می سال 2004 در شهر سقز انجام گرفته پر واضح است که صالحی برای فعالیتهای کارگری به زندان محکوم شده است.

ما در قبال این حکم غیر عادلانه خشمگین هستیم. این حکم نشانگر این است که دولت شما ابتدایی ترین حقوق بشر و کارگران که همانا حق تشکل و حق برگزاری جشن اول ماه می است را زیر پا گذاشته است.

ما عاجلاً از شما می خواهیم که همه احکام صادره علیه صالحی را باطل نموده و صالحی را فوراً و بدون شرط آزاد کنید.

ارادتمند شما

جولیس رو

مستول سراسری اتحادیه کارگران مونتاز استرالیا

اعلام کمپین برای آزادی

دستگیرشدگان اول مه سنندج،

معلمان زندانی و در دفاع از کارگران

مهاجر افغانی

خطاب به سازمانهای کارگری و سازمانهای معلمان در سراسر جهان، خطاب به نهادها و سازمانهای مدافع حقوق انسان

به سوسیالیست ها و مدافعان حقوق کارگران و به همه مراکز کارگری، به دانشجویان در سراسر کشور و به مردم شهر سنندج

در روز اول مه تعدادی از شرکت کنندگان و سازماندهندگان اول مه در شهر سنندج دستگیر شدند که ۱۳ نفر آنها همچنان در زندان سنندج بسر میبرند. دستگیرشدگان از فعالین و رهبران کارگری و مسئولین و اعضای اتحادیه کارگران بیکار و اخراجی هستند که در جریان یورش وحشیانه نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی به مراسم اول مه و یا روز بعد از آن دستگیر شده اند. محمود صالحی فعال اول مه سقز نیز بدلیل برگزاری اول مه در این شهر از سه سال قبل بارها بازداشت شده و از مدتی قبل در زندان سنندج بسر میبرد.

حزب کمونیست کارگری ایران برای آزادی دستگیرشدگان تاکنون اقداماتی انجام داده است از جمله بلافاصله پس از دستگیری ها، مرتباً اخبار آن را از طریق تلویزیون انترناسیونال منعکس کرده، اطلاعیه حزب برای لیست وسیعی از سازمانهای کارگری و نهادها و سازمانهای مدافع حقوق انسان و برخی رسانه ها در کشورهای مختلف ارسال شد. در سایت لیبر استارت اطلاعیه و فراخوان حزب در این زمینه بلافاصله درج شد و با عفو بین الملل نیز تماس گرفته شد. تاکنون کنفدراسیون اتحادیه های کارگری و نیز عفو بین الملل در این مورد بیانیه هایی صادر کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی شده اند.

کارگران زندانی بشرح زیر میباشند: شیت امانی رئیس اتحادیه کارگران

بیکار و اخراجی، خالد سواری نایب رئیس اتحادیه، صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه، اقبال لطیفی، پداله مرادی، نجمه الدین رجبی، فاروق گویلیان، انور مفاخری، صدیق امجدی، حبیب الله کلکانی، محی الدین رجبی و صدیق صبحانی از اعضای اتحادیه و طیب چتانی از فعالین کارگری در سنندج. محمود صالحی را نیز باید به این لیست اضافه کرد.

جمهوری اسلامی میخواهد جلو گسترش اعتراضات کارگری را بگیرد. بویژه با دستگیری تعدادی از مسئولین و اعضای اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار تلاش میکند رهبری این تشکل نوپا را تحت فشار قرار دهد و آنرا از دور خارج کند و روحیه مبارزه جوئی در میان مردم در سراسر کشور را در هم بشکند.

علاوه بر این، جمهوری اسلامی در هفته های گذشته دستگیری و اخراج کارگران مهاجر افغانی را که بعضاً دهها سال است در ایران زندگی میکنند شدت بخشیده است. بطوری که یکی از آنها که توسط ماموران جمهوری اسلامی از بالای ساختمان به پائین پرتاب شده بود جان باخت و تعدادی از آنها هم اکنون در بیمارستانی در هرات بستری هستند. در جریان تجمعات و اعتصابات گسترده معلمان نیز تعدادی از معلمان دستگیر شده که همچنان در زندان بسر میبرند. تعدادی از آنها نیز حکم انفصال از خدمت گرفته اند. این اقدامات پاسخ رژیم به صدها هزار معلمی است که افزایش دستمزد و شرایط زندگی بهتر میخواهند.

با تمام قوا باید به یاری کارگران دستگیرشده، معلمان و مهاجرین افغانی برخاست و نقشه های ضد مردمی رژیم را نقش بر آب کرد.

برای آزادی کارگران و معلمان زندانی و در دفاع از کارگران مهاجر، اقدامات بسیار گسترده تر و همه جانبه تری در ایران و در سطح بین المللی لازم است. به این منظور حزب کمونیست کارگری کمپینی را سازمان داده است و همه سازمانهای کارگری، سازمانهای مدافع حقوق انسان، و احزاب و

گروههای سیاسی مدافع حقوق کارگر و کمونیستها، سوسیالیستها و مدافعان حقوق کارگر و مردم آزادیخواه را به شرکت در این کمپین فرامیخواند.

به کمپین بین المللی برای آزادی کارگران و معلمان زندانی بپیوندید. از همه مردم آزادیخواه، کارگران، دانشجویان، زنان و جوانان در ایران میخواهیم قاطعانه از حقوق کارگران و معلمان و حق برابر شهروندی همه مردم دفاع کرده و به این کمپین با تمام قوا یاری رسانند. ما همه سازمانهای کارگری، نهادها و شخصیت های مدافع انسان و همه مردم آزادیخواه را به حمایت از خواست های زیر فرامیخوانیم:

۱- آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دستگیرشدگان اول مه

۲- آزادی کلیه معلمان زندانی و لغو احکام انفصال از خدمت تعدادی از معلمان

۳- آزادی بیان، اعتصاب و تشکل، آزادی تجمع و اعتراض

۴- آزادی کلیه زندانیان سیاسی

۵- محکوم کردن شدید جمهوری اسلامی بخاطر سرکوب اول مه سنندج، بهم زدن مراسم کرمانشاه، حمله به تظاهرات اول مه تهران و دستگیری فعالین کارگری در سنندج

۶- ما همچنین سیاست فاشیستی و ضدانسانی جمهوری اسلامی علیه کارگران افغانستانی مهاجر ایران را شدیداً محکوم میکنیم. ضرب و شتم مهاجرین را که به قتل حداقل یکی از آنها در روزهای اخیر منجر شده است شدیداً محکوم میکنیم و خواهان پایان دادن به اخراج مهاجرین و حقوق برابر شهروندی و حق کار و زندگی برای همه مهاجرین مقیم ایران هستیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مه ۲۰۰۷، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۶

حمایت امنستی و اطلاعیه کمیته پیگیری

تصمیم شتاب زده

اخیراً "اطلاعیه ای تحت عنوان "نامه سرگشاده کارگران به وزیر کار و امور اجتماعی" توسط هیئت موسسان سندیکاهای کارگری تهیه و پس از امضاء برخی از تشکل های کارگری از جمله کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در تاریخ ۱۰/۲/۱۳۸۶ منتشر شده است.

بدین وسیله ما اعلام می داریم به رغم اینکه نامه سرگشاده به امضای کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری رسیده است. اما به هیچ وجه منطبق بر مواضع کمیته پیگیری نمی باشد. و صرفاً "بدلیل اشتباهاتی که در پائین توضیح داده می شود امضاء شده است.

نامه سرگشاده مورد اشاره بدون اطلاع و تبادل نظر با کمیته پیگیری ... تهیه و در آخرین لحظات خواستار امضای کمیته پیگیری شده اند و این در حالی بوده که اعضای شورای نمایندگان کمیته پیگیری جهت تدارک مراسم اول ماه می در گیر بودند که امکان تشکیل جلسه، بحث و بررسی پیشنهاد فوق را جهت تصمیم گیری نداشتند. البته چند تن از نمایندگان کمیته پیگیری

شتابزده تصمیم به امضای نامه سرگشاده گرفتند و اکنون خود نیز به این اشتباه واقف شده اند.

تاکید می شود، ما اعتقاد داریم بر اساس تجربیاتی که در مبارزه با کارفرمایان در محیط های کاری داشته ایم "حق گرفتنی است نه دادن"، تا به این روز در هر کارخانه ای که کارگران تلاش کردند که از طریق صرفاً در خواست، مطالبه ای را بدست بیاورند. نه تنها موفق نشدند بلکه فشار بیشتری بر آنها وارد شده است و بر عکس، هر زمانی که با اعتراض و اتحاد خواستار حق خود بودند آن را بدست آورده اند.

بنابراین در خواست کردن از وزیر کاری که به تمامی مطالبات طبقه کارگر اشراف دارد با این حال دقیقاً در مقابل مطالبات کارگران ایستاده، اشتباه محض است. برای اثبات این ادعا کافی است به ضدیت وزارت کار با مطالبات کارگران شرکت واحد ویا به رسمیت شناختن و حمایت از قراردادهای موقت (که چیزی جزء بردگی کارگران نیست) اشاره کرد.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری

۱۱/۲/۱۳۸۶

اطلاعیه شماره ۸، در مورد دستگیری های اول مه سنج

سازمان عفو بین الملل به سرکوب کارگران و به دستگیری فعالین کارگری اعتراض کرد

به دنبال سرکوب مراسم روز کارگر در سنج و حمله به تظاهرات کارگران در تهران، سازمان عفو بین الملل، طی انتشار بیانیه ای به سرکوب کارگران و به دستگیری فعالین کارگری عضو "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" شهر سنج اعتراض کرد. عفو بین الملل از جمهوری اسلامی خواست که حق برپائی مراسم کارگری را برای کارگران به رسمیت بشناسد و دستگیر شدگان مراسم اول ماه مه سنج را هر چه زودتر آزاد کند. بیانیه امنستی اینترناشنال همچنین به مراسم ورزشگاه شیرودی و قصد دستگیری منصور اسانلو توسط

بیانیه عفو بین الملل در مورد معلمان نیز از جمهوری اسلامی خواسته است که حق اعتراض را برای معلمان محفوظ بدارد. امنستی اینترناشنال همچنین به سابقه دوره اخیر مبارزات معلمان، سابقه دستگیریهای اسانلو در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ میلادی و لغو سخنرانی اواخر ماه آوریل ۲۰۰۷ وی اشاره میکند.

حزب کمونیست کارگری از همه سازمانهای کارگری و نهادها و سازمانهای بین المللی میخواهد که به سرکوب اعتراضات مردم در ایران اعتراض کنند و برای آزادی فعالین کارگری سنج و کلیه زندانیان سیاسی، جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر زیر فشار بگذارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مه ۲۰۰۷، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۶

محروم نکنید... باید دست مذهب را از دنیا کوتاه کرد و آن را به زیاله دان تاریخ فرستاد. درود بر کمونیسم کارگری ایران. با سپاس از پدر عزیزم آقای جوادی

دوست عزیز دست شما و همه رفقایان را میفشارم. روی آوری شما به کمونیسم کارگری را تبریک میگویم. مذهب نه تنها افیون توده ها بلکه یک دستگاه جنایت و آدمکشی است. دانشگاه را باید به یک سنگر مهم دفاع از آزادی و برابری و سوسیالیسم تبدیل کرد. کمونیسم کارگری باید پرچمدار تغییرات سیاسی اساسی در دانشگاه باشد. با شما در تماس خواهم بود.

با عرض سلام فراوان خدمت جناب آقای سیاوش دانشور

اینجانب رضا ... از استان بوشهر هستم. اول از همه باید از نشریه خوبی که دارید تشکر کنم. اینجانب آماده هرگونه همکاری با نشریه میباشم. اگر ممکنه راهنمایی بفرمائید و هر چهارشنبه جدیدترین نسخه نشریه رو واسه من ایمیل کنید تا میان دوستان پخش کنم. لطفا آگه با همکاری من موافقت میشود در نسخه شماره ۱۸ پاسخ دهید. یا تشکر.

آقای رضا عزیز،

با تشکر از حسن نظرتان در مورد نشریه. از همکاری شما استقبال میکنم. جداگانه نامه ای برایتان ارسال میکنم. نشریه شماره ۱۸ هم همینطور. از طرف من دوستان و خوانندگان نشریه را سلام برسانید. برایتان آرزوی موفقیت و پیروزی دارم.

نامه ها ...

مورد این مساله نگاه کنید. ما به تمامی اصول و مقررات حزبی پایبندیم. برای یک دنیای بهتر یک برنامه تلویزیونی شخصی است. پروژه حزبی نیست. اما به دستگاه تبلیغات حزب نگاه کنید. آیا پس از اعلام فراکسیون مصاحبه ای از رفقای فراکسیون در تلویزیون حزب دیده اید؟ ما مسیح نیستیم که با یک سیلی طرف دیگر صورتمان را نشان دهیم. کمونیستیم. به مسائل پایه ای جنبش مان می اندیشیم و برای آن نقشه عمل داریم. اختلافات ما سیاسی است. گرایشی است. ریشه در گرایشات موجود در جامعه دارد. بنظر من به دنبال مسائل جزئی در تبیین اختلافات نباشید. به گرایشات اجتماعی نگاه کنید. به تاریخ گرایشات درون حزب نگاه کنید. از شما میخوام که برای پیشبرد خط کمونیستی منصور حکمت رسماً به فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید.

با درود: آقای جوادی ما دانشجویان کمونیسم دانشگاه ... از شما می خواهیم تا ما را برای سازمان دادن این جنبش در دانشگاه و هم چنین روشن فکری دیگر دانشجویان به ما کمک کنید. ما را از راهنمایی خود

اطلاعیه های اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

کارگران بازداشت شده در
مراسم اول ماه مه سنندج از
روحیه بسیار بالایی برخوردارند

امروز نماینده های اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در ادامه پیگیریهای خود برای آزادی کارگران بازداشت شده در اول ماه مه، طبق قرار قبلی به شورای شهر سنندج رفتند. در شورای شهر سنندج به نماینده ها اعلام شد که پیگیری های شورای شهر برای آزادی کارگران بازداشتی از طریق دادستانی و اداره اطلاعات نتیجه ای نداده است و شورای شهر در تداوم تلاش برای آزادی کارگران بازداشت شده، از طریق استانداری مسئله را دنبال خواهد کرد. از طرف دیگر امروز ساعت 30/10 صبح همه کارگران بازداشتی به استثنای شیت امانی و صدیق کریمی به محل دادگاه عمومی میدان بسیج سنندج منتقل شده و در شعبه یکم دایماری آنجا پس از بررسی پرونده های آنان توسط قاضی به زندان باز گردانده شدند. در محل دادگاه اعضای اتحادیه و خانواده هایی که در آنجا دادگاه حضور داشتند موفق به ملاقات با کارگران بازداشتی شدند. بنا به اظهار خانواده ها همه آنان با چهره هایی خندان و روحیه ای بسیار بالا در محل دادگاه حضور پیدا کرده و سپس به زندان باز گردانده شدند. طبق وعده هایی که به خانواده ها داده شده فردا بار دیگر کارگران بازداشتی به دادگاه آورده خواهند شد و احتمالاً همه آنان به استثنای شیت امانی و صدیق کریمی آزاد خواهند گردید. همچنین امروز جمع دیگری از اعضای اتحادیه در ادامه پیگیری های خود برای انتخاب وکیل جهت دفاع حقوقی از کارگران بازداشتی، با دو نفر وکیل برای دنبال کردن وضعیت شیت امانی و صدیق کریمی قرار داد بستند.

قرار است آقای رشیدی یکی از وکلای انتخاب شده فردا به زندان سنندج مراجعه کرده و پیگیر وضعیت شیت امانی و صدیق کریمی بشود. از طرف دیگر دیروز یکی از کارگران بازداشت شده به نام عباس اندریاری که اسم ایشان در میان کارگران بازداشت شده، اعلام نشده بود، آزاد شده است و قرار است فردا به همراه دیگر کارگران بازداشتی در دادگاه حاضر شود. اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار از بازداشت این کارگر بی اطلاع بود و امروز طی تماس خانواده وی با نمایندگان اتحادیه، از وضعیت ایشان اطلاع حاصل شد. امروز مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال کمک مالی انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه نیز در اختیار نمایندگان اتحادیه قرار گرفت تا بدست خانواده های کارگران بازداشتی رسانده شود.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار همانگونه که بارها اعلام کرده است خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه است و تا آزادی همه آنان از پای نخواهد نشست. تعرض به مراسم اول ماه سنندج و تداوم بازداشت کارگران شرکت کننده در آن یورش به کل طبقه کارگر است از اینرو ما بار دیگر، همه کارگران و تشکلهای کارگری را فرا می خوانیم تا نسبت به حمله به مراسم اول ماه مه سنندج اعتراض کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج بشوند.

اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار

17/2/1386

طی مذاکره نمایندگان اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار با اعضای شورای شهر سنندج به آنان اعلام شد همه کارگران بازداشتی به استثنای شیت امانی و صدیق کریمی میتوانند با سپردن قرار وثیقه سبک آزاد شوند

امروز مورخه 16/2/1386 اعضای اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به همراه خانواده های کارگران بازداشتی در مراسم اول ماه مه سنندج در مقابل شورای شهر سنندج تجمع کردند. از همان ساعت اولیه تجمع، نیروهای انتظامی و امنیتی به صورت چشمگیری در محل حضور داشتند.

طی توافقی که دیروز صورت گرفته بود امروز ساعت 9 صبح قرار بود نمایندگان اتحادیه در جلسه سه جانبه ای به اتفاق شورای شهر سنندج و معاونت فرماندهی نیروی انتظامی شرکت کنند تا به مسئله آزادی کارگران دستگیر شده رسیدگی شود، اما شورای شهر سنندج دو جلسه جدا از هم برگزار کرد. ابتدا معاونت فرماندهی شهر سنندج با اعضای شورای شهر جلسه گذاشتند و سپس جلسه ای را با نمایندگان اتحادیه آقایان: حسن زارعی، وفا یونسیان، جبار خدا مرادی و هادی زارعی برگزار نمودند. در این جلسه به نماینده های اتحادیه اعلام شد که کارگران بازداشتی با سپردن قرار وثیقه سبک آزاد میشوند اما نماینده های اتحادیه اعلام کردند که کارگران بازداشتی جرمی مرتکب نشده اند و باید فوراً آزاد شوند در عین حال که اعلام کردند ما کارگریم و چیزی جز نان خشک برای

سپردن وثیقه نداریم. این وضعیت باعث شد تا رئیس شورای شهر سنندج با دادگستری تماس گرفته و مسئله را اعلام نماید. در پاسخ به رئیس شورای شهر سنندج اعلام شد که 11 نفر از کارگران بازداشتی میتوانند با سپردن قرار وثیقه سبک آزاد شوند اما شیت امانی رئیس هیئت مدیره اتحادیه و صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه همچنان در بازداشت خواهند ماند. نماینده های کارگران در اعتراض به این وضعیت مواضع قبلی خود را مبنی بر عدم سپردن قرار وثیقه اعلام و تاکید کردند که ما خواهان آزادی همه کارگران بازداشتی هستیم. با پیش آمدن این وضعیت قرار شد شورای شهر سنندج ترتیب جلسه دیگری را در بعد از ظهر امروز در فرمانداری سنندج و به اتفاق نماینده های اتحادیه بدهد تا خواست کارگران مبنی بر عدم سپردن قرار وثیقه و آزادی همه کارگران بازداشتی منجمه شیت امانی و صدیق کریمی مورد بررسی قرار گیرد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار بار دیگر اعلام میکند که کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه و پس از آن هیچ جرمی مرتکب نشده اند. ما گرامیداشت اول ماه مه، اعتراض، تجمع و برپایی تشکل را حق مسلم خود میدانیم و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه بازداشت شدگان هستیم.

اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار 16/2/1386

www.ettehade.com

k.ekhraj@yahoo.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

را بخوانید و به دوستانتان توصیه کنید!

پاسخ به یک سنوال

آیا در کنگره ششم حزب کمونیست کارگری شرکت



حمایت می کنیم. ما حمله به تجمع دیروز کارگران را محکوم می کنیم و همچنین خواهان آزادی فوری فعالین کارگری بدون قید و شرط هستیم.

در وصف این شرایط برای مردم در جامعه و موقعیت معلم شعری با احساس سروده شد. پیام پیمان نودینیان معلم تبعیدی شهر سنجندج توسط یکی از معلمین خوانده شد. یکی دیگر از معلمین چنین گفت: "نفس پرنده را می شود گرفت اما پرواز را نمی توان از پرنده گرفت" و سخنرانی خود را در مورد مسائل و مشکلات و موانع این بخش از جامعه ادامه داد. نکته قابل ذکر این بود که سخنرانان تاکید داشتند هر روزی روز معلم نیست ما باید روز معلم را که روزی جهانی است همراه و همگام با سراسر جهان برگزار کنیم. این روز روز معلم نیست.

شور و هیجان بی نظری در میان شرکت کنندگان بود. در این تجمع بیانیه تصویب شد که شامل ۱۴ بند بود. حوالی ساعت ۱۰ نیم بود که تعدادی اتوبوس دیگر از شهرهای دیگر رسیدند و جمعیت بالغ بر ۳ هزار نفر شد. یکی دیگر از سخنرانان از حمایت دانش آموزان و خانواده دانش آموزان صحبت می کند و ابراز خرسندی می کند که در این شرایط مهم برای بهبود شرایط در مدارس خانوادهها معلمین را حمایت کردند. از دانش آموزان عزیز قدردانی شد که به عناوین مختلف در این مدت معلمین خود را حمایت و نهایت همکاری را کردند.

در این روز خانواده دانش آموزان با گرفتن عکس و فیلم بنوعی حمایت را اعلام می کردند. یکی از معلمین می گوید در چنین اوضاعی لازم به ذکر است که تجمع کنندگان امروز تنها مرکب از معلمین نبودند بلکه جمعی از کارمندان بخش اداره آموزش و پرورش حضور داشتند. تعدادی از بازنشستگان حضور داشتند و همچنین تعدادی از معلمین اخراجی در میان شرکت کنندگان بودند.*

تجمع رسماً آغاز نشده بود. حیاط و خیابان روبرو اداره کل آموزش و پرورش سنجندج تقریباً هر لحظه بر جمعیتش اضافه می شود.

ساعت ۹ صبح بود جمعیتی بالغ بر ۱۷۰۰ نفر حضور داشتند. نیروهای انتظامی منطقه را تحت کنترل داشتند. تعدادی ماشین از نیروهای لباس شخصی برای ایجاد جو رعب و وحشت مانور می دادند، اما حضور وسیع و پرشور معلمین نیروهای انتظامی را فقط نظاره گر این اعتراض با شکوه کرد.

معلمین از شهرهای مختلف آمده بودند؛ از بیجار، قروه، دیواندره، دهگلان، کامیاران، سقز، بانه. معلمینی که از شهرهای دیگر برای یک اعتراض متشکل و متحد آمده بودند. هر شهری پلاکارتی به همراه داشت. بر پلاکارتها چنین نوشته شده بود: "جامعه مدنی بدون یک زندانی"، "فرهنگی اتحاد اتحاد"، "عدالت می نویسیم تبعیض می خوانیم"، "معلمین دستگیر شده بدون قید و شرط آزاد باید گردند"، "علم را با زندانی کردن معلمین خدشه دار نکنید"، "علم را نمی توان زندانی کرد"، "زندانیان را آزاد کنید" و دهها شعار دیگر که در دست شرکت کنندگان بود. تعدادی از شعارها بر دیوارها نصب شده بود.

امروز سنجندج شهر اتحاد و همبستگی و هم دلی بود. روز به نمایش گذاشتن این قدرت عظیم اجتماعی. سرکوب دیروز تجمع کارگران و ایجاد فضای رعب در شهر باعث نشد تجمع امروز کم رنگ باشد. چه بسا بیش از پیش با حضور خود و در سخنرانی سخنرانان نشان از این اتحاد و همبستگی بود. یکی از سخنرانان با اعلام اینکه جنبش کارگری اعتراضات تکنونی ما را مورد حمایت قرار داده تشکر کرد و اعلام کردند ما نیز به نوبه خود مبارزات کارگران را

است. تداوم این فضا و کشیده شدن دامنه آن به کنگره حزب میتواند لطمات جبران ناپذیری بر پیکر کمونیسم کارگری وارد کند.

همانطور که در مباحثات دوره اخیر اعلام کرده ام، ما از این فضا دوری میکنیم. عدم شرکت در کنگره میتواند عاملی در جلوگیری و زمینه ندادن به گسترش چنین فضایی باشد. برای من فضای سالم سیاسی و کمونیستی یک شرط پیشبرد مبارزه سیاسی برای خط مشی و اهداف کمونیستی ام است.

اما علیرغم عدم شرکت شخصی ام در این کنگره امیدوارم که حزب بتواند یک کنگره موفق و پر قدرت را برگزار کند. برگزاری موفق کنگره ششم حزب یک موفقیت برای کل جنبش کمونیسم کارگری خواهد بود.

از همه فعالین و دوستانان کمونیست کارگری، از همه آزادیخواهان و برابری طلبان دعوت میکنم تا در کنگره ششم حزب کمونیست کارگری شرکت کنند.

علی جوادی

۶ مه ۲۰۰۷

برخی از فعالین کمونیسم کارگری، چه از حزب کمونیست کارگری ایران و چه از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، از من در مورد شرکت در کنگره ششم حزب کمونیست کارگری سنوال کرده اند.

بطور خلاصه باید بگویم که تصمیم گرفته ام بخاطر مصالح عمومی و دراز مدت جنبش کمونیسم کارگری از شرکت در کنگره ششم حزب کمونیست کارگری خودداری کنم.

این تصمیم ساده و آسانی نبود. حاصل تعمق و بررسی همه جانبه ای است. عامل اصلی در این تصمیم من فضای سیاسی است که رهبری کنونی حزب در قبال شکل گیری و فعالیت فراکسیون "اتحاد کمونیسم کارگری" در حزب ایجاد کرده و "جدل آنالین" نمونه بارز و شاخص آن است. متأسفانه علیرغم تلاشهای ما، جریان و خط مشی ای در حزب به یک فضای هیستریک و تشنج آمیز بمنظور ایجاد چرخش سیاسی مورد نظر خود دامن زده و پیشبرد مباحث حاد مورد اختلاف را از مجاری و کانالهای طبیعی و رویتین حزب، و از جمله از طریق کنگره، در این شرایط عملاً غیر ممکن کرده

گزارش دیگری از اجتماع معلمان سنجندج

روز ۱۲ اردیبهشت روز معلم بود. از مدتها پیش انجمن صنفی معلمین فراخوان داده بود که در این روز در سراسر کشور در مقابل مجلس و در شهرهای دیگر مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کنند و بر خواستههای بر حق خود تاکید کنند.

امروز در شهر سنجندج جمعی در مقابل دفتر شورای اسلامی شهر و نماینده شهر تجمع کرده بودند و خواهان آزادی بدون قید و شرط فعالین کارگری بودند. این تجمع بالغ بر ۵۰ نفر بود. همزمان و در همان ساعات اولیه صبح امروز ۱۲ اردیبهشت اتوبوسهای حامل معلمین معترض از شهرهای دیگر استان کردستان وارد شهر سنجندج می شوند. تجمع رسماً آغاز نشده بود. حیاط و خیابان روبرو اداره کل آموزش و پرورش سنجندج تقریباً هر لحظه بر جمعیتش اضافه می شود.

نامه فراکسیون به ارگانهای رهبری حزب، سند دوم مبانی اختلافات، پاسخ رفیق تقوائی به فراکسیون و پاسخ فراکسیون

به : رفیق حمید تقوائی و رفقای دفتر سیاسی

موضوع : بررسی پلاتفرم جدید فراکسیون در دفتر سیاسی و جلسه با رهبری حزب

با احترامات رفیقانه

علی جوادی

۲۷ آوریل ۲۰۰۷

* رفقا این نامه از نقطه نظر ما جهت اطلاع عموم است.

رفقای عزیز

با سلامهای گرم و رفیقانه

مبانی اختلافات ما

بیانیه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

(سند دوم)

ما در بیانیه اول تشکیل فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری بر وضعیت سیاسی متحول ایران و منطقه، در دستور بودن امر سرنگونی، موقعیت متشتت رژیم اسلامی و کل کمپ راست، و یک فرصت تاریخی برای ایفای نقش کمونیسم کارگری برای آزادی جامعه تاکید کردیم. اعلام کردیم که علیرغم موقعیت و نفوذ اجتماعی نسبتاً مطلوب کمونیسم کارگری هنوز حزب ما دارای ملزومات و امکانات لازم برای پیروزی قطعی یک انقلاب کارگری و پیروزی تمام عیار سوسیالیستی نیست.

ما اعلام کردیم نقطه گری و حلقه اصلی پیشروی راه حل کارگری و کمونیستی و تبدیل شدن کمونیسم به یک انتخاب وسیع و توده ای طبقه کارگر و مردم، در گرو تبدیل حزب کمونیست کارگری به حزب رهبر و حزب سازمانده اعتراضات وسیع جاری در جامعه ایران است. تنها از این طریق میتوان به استراتژی پیروزی کمونیسم در ایران اتکا کرد و تنها از این طریق میتوان استراتژیهای کمپ راست داخلی و بین المللی را به شکست کشاند. تنها حزبی که به حزب رهبر جنبش سرنگونی و سازمانده انقلاب کارگری تبدیل شده باشد میتواند به مصاف قدرت سیاسی حاکم برود.

رفقای عزیز کنگره ۶ حزب کمونیست کارگری در راه است. برگزاری موفق و متحدانه کنگره یک مساله مهم و سیاست فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری است.

یکی از مسائلی که حزب با آن در این دوره مواجه شده مساله موقعیت و جایگاه فراکسیون در حزب است. ما خواهان نرمالیزه کردن و بهبود مناسبات فی ما بین هستیم، خواهان فائق آمدن بر فضای ملتهب موجود در حزب هستیم، خواهان برسمیت شناخته شدن فراکسیون و فعالیت "قانونی" در چهارچوب حزب هستیم.

از اینرو یکبار دیگر پیشقدم شده و از رهبری حزب میخواهیم که جلسه ای را در اسرع وقت و طی چند روز آتی با هیات نمایندگی فراکسیون ترتیب دهد تا پیشنهادات ما در جهت بهبود این مناسبات را شنیده و ما نیز متعاقباً از نقطه نظرات رفقا مطلع شویم.

بعلاوه پلاتفرم جدید فراکسیون را که بر مبنای "اختلافات" سیاست ما با خط حاکم بر حزب نوشته شده است، جهت بررسی در دفتر سیاسی ارائه میدهم. امید این است که این پلاتفرم مورد تصویب دفتر سیاسی قرار گرفته و راه "قانونی" شدن فراکسیون قبل از کنگره هموار شود.

ما گام اول را برداشته ایم. امیدمان هم این است که با واکنش مثبت در جهت بهبود مناسبات درون حزبی مواجه شویم.

نه استنتاجات پراتیکی روشن از مباحث سلیبی-اثباتی، نه نگرش و سبک کار حاکم به سازمان ما در داخل و خارج کشور، نه تبلیغات و عرصه های مختلف فعالیت ما - اگر نه صد در صد- اما از این مباحث و جهتگیریها ناشی نمیشود. در یک کلام این مباحث که ترجمه واقعی مباحث مهم "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" است در دستور حزب، علیرغم ابراز وفاداری به آن، قرار ندارند. همینطور حزب رهبر - سازمانده کمونیستی کارگری دانما باید روی کمپ راست و بورژوازی فشارش را حفظ کند. فشار سیاسی ما روی اپوزیسیون راست - راست پروغرب و جنبش ملی اسلامی - کمرنگ شده است. در صورتی که جدال دائمی برسر اثبات حقانیت و مطلوبیت آلترناتیو کمونیستی در قلمرو سیاست سراسری، یک ویژگی حزبی است که در مقیاس اجتماعی بعنوان رهبر جامعه میدان آمده است.

۲- تجربه اجرای طرح آرایش فردی رهبری حزب پس از منصور حکمت، یک رکن دیگر اختلافات ما با رهبری کنونی حزب است. تجربیات تاکتونی حزب نشان داده است که آرایش فردی رهبری به شکنندگی رهبری حزب می افزاید، حزب را دچار تکانهای نا لازم میکند، و به خصوصیات در حزب امکان رشد داده است که برابری طلبانه نیستند. گفته منصور حکمت در پلنوم ۱۴، "شاید اشتباه کردیم" که اساساً طرح رهبری فردی را مطرح کردیم، تردید، نگرانی و بازنگری او را نسبت به طرح رهبری فردی در حزب کمونیست کارگری بطور کلی نشان میدهد.

۳- یک اختلاف دیگر ما با رهبری حزب در نگرش به تحزب کمونیستی و حزبیت سیاسی است. ورژنهای مختلف که از حزبیت تاکنون توسط برخی از اعضای رهبری حزب بدست داده شده است، بیشتر با دیدگاههای چپ رادیکال در امر حزبیت نزدیکی دارد تا با سنت حزبی مدرن و

ما اعلام کردیم فراکسیون "اتحاد کمونیسم کارگری" تلاش میکند کلیه نیروهای این جنبش را که به اهداف فوری سیاسی و برنامه ای اعلام شده کمونیسم کارگری متعهد اند، بسیج و متشکل و متحد کند. اهم اهداف ما در بیانیه تشکیل فراکسیون و پلاتفرم بسوی حزب رهبر انقلاب آمده است. در عین حال اعلام کردیم که "فراکسیون هیچ اختلاف سیاسی اصولی، برنامه ای و استراتژیک با اهداف اعلام شده کمونیسم کارگری مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری فوری سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی ندارد. فراکسیون به کلیه قطعهنامه های سیاسی مصوب تاکتونی حزب پایبند است. در عین حال تدقیق سیاستهای اعلام شده حزب را در شرایط متحول امروز و ترجمه پراتیکی آن را امر و وظیفه خود میدانند."

در دوره کوتاه اخیر در حزب کمونیست کارگری مباحثی در جریان بودند و هستند و اسنادی به تصویب رسیدند که اختلافات ما با خط چپ رادیکال حاکم بر حزب را عمیقتر نشان دادند. با توجه به مجموعه این مباحثات چه قبل و چه بعد از تشکیل فراکسیون، مبانی مهمترین اختلاف ما با سیاست رسمی رهبری حزب تیتروار به قرار زیراند؛

۱- بحث حزب رهبر - حزب سازمانده و مجموعه مباحث طرح شده در پلنوم چهارده حزب اساس جهتگیری و حرکت سیاسی ماست و تلاش ما اینست این مباحث به جهتگیری و نقطه عزیمت حزب تبدیل شود. امروز چنین نیست. نه مسئله رهبری و آرایش و تمرکز آن، نه سبک کار رهبری، نه تزه های حزب کادرها و عملکرد براین اساس،

نامه فراکسیون به ارگانه‌های رهبری...

مارکسیستی منصور حکمت. مباحث ما تحت عنوان حزب سیاسی مارکسیستی در نشریه یک دنیای بهتر مطرح شده و بزودی بصورت یک سند جامع تدوین خواهد شد.

۴- یک اختلاف و تمایز ما برسر مسئله انشعاب و انشقاق در حزب و پروژه اتحاد کمونیسم کارگری است. این تمایز ما صرفاً اختلافی با رهبری حزب نیست، بلکه اختلافی با بخشهای رسمی و حزبی کمونیسم کارگری است. ما به مسئله ناگوار انشعاب بازبینی انتقادی کردیم و تزاها و نقطه نظر اتمان در این زمینه و همینطور طرحمان برای بازسازی لطمات ناشی از این واقعه را بزودی اعلام میکنیم. بطور خلاصه ما با فرض اختلافات واقعی و وجود گرایشات سیاسی مختلف، معتقدیم این دو شاخه حزبی هنوز در بستر واحد کمونیسم کارگری حرکت میکنند. ما بر این باوریم که اشتراکات دو حزب بر اختلافات فی الحال موجود میچربد. در یک نگرش استراتژیک ما برای سازمان واحد کمونیسم کارگری تلاش میکنیم.

۵- ما با نگرش و متدولوژی حاکم بر اسناد مربوط به تشکیل و فعالیت فراکسیون و قطعنامه پلنوم ۲۷ اختلاف جدی داریم و آنها را در سنت کمونیسم کارگری ارزیابی نمیکنیم. ما براین باوریم که رهبری حزب تلقی روشنی از امر رهبری تحولات و مسیر آن ندارد. یک وجه عدم دخالتگری لازم حزب در رویدادهای مهم مانند اعتصاب های گسترده معلمان همین است. ما بجای شناخت دقیق جنبشها و تحركات اجتماعی و دخالت سازمانگرانه و رهبری این مبارزات به نفع کمونیسم، در بهترین حالت به حمایت فعال اکتفا کرده ایم. حمایت یک وجه مهم کار است اما نیاز دخالت فعال کمونیسم کارگری در سازماندهی و رهبری اعتراضات

موضوع: پاسخ به نامه مورخه ۲۷ آوریل در مورد بررسی پلاتفرم جدید فراکسیون

رونوشت: هیات دبیران و دفتر سیاسی

رفیق علی جوادی عزیز

در پاسخ به تقاضای شما برای تشکیل جلسه مشترک با رهبری حزب نکات زیر را به اطلاع میرسانم:

۱- بیانیه شماره ۲ فراکسیون سند تازه و متفاوتی از بیانیه اعلام موجودیت شما است. از نظر حزب این سند جدید و مستقلی است و هر تعدادی از کادرهای حزب میتوانند حول این بیانیه و در چارچوب و بر اساس سند "موازین تشکیل و فعالیت فراکسیون در حزب کمونیست کارگری" مصوب پلنوم ۲۷ تقاضای تشکیل فراکسیون کنند.

۲- فراکسیون موجود بر مبنای بیانیه قبلی تشکیل شده و از طرف دفتر سیاسی و پلنوم (با رای بیش از دو سوم اعضای کمیته مرکزی) برسمیت شناخته نشده است. در عمل این فراکسیون تا کنون نه بعنوان بخشی از حزب، بلکه مانند یک حزب در حزب و بر علیه حزب عمل کرده است. کل موجودیت و فعالیت این فراکسیون نه تنها سند "موازین کار و فعالیت فراکسیون" را، که صریحا و علنا آنرا نپذیرفته اید، تماما نقض میکند بلکه در موارد متعددی پایه ای ترین و بدیهی ترین اصول حزبی که هر کادر و عضو حزب ملزم به رعایت آنست را زیر پا گذاشته و از نظر سیاسی به حزب لطمه زده است.

۳- با توجه به نکات فوق از نظر رهبری حزب ادامه کار فراکسیون فعلی با تغییر پلاتفرم و یا هر تغییر دیگری غیر قابل پذیرش است. این فراکسیون غیر

قانونی و غیر رسمی است و فعالیت آن در جهت تضعیف حزب است. به کار این فراکسیون خاتمه بدهید و حول بیانیه جدید و با رعایت کامل "موازین تشکیل و فعالیت فراکسیون در حزب" بخواهید که بعنوان یک فراکسیون اصولی و واقعا درون حزبی برسمیت شناخته شوید. تنها در این صورت حزب میتواند به تقاضای شما رسیدگی کند و فراکسیون جدید را برسمیت بشناسد. مساله اقدامات ضد حزبی و نقض موازین حزبی از جانب شما مساله جداگانه ای است که حزب تا کنون به این موارد برخورد کرده است و در آینده نیز هرگاه لازم بداند به این مساله برخورد خواهد کرد.

۴- در مورد تقاضای جلسه مشترک با دفتر سیاسی و هیات دبیران روشن است که مساله بحث با شما بعنوان نماینده یا هیاتی از فراکسیون منتفی است. اما هیات دبیران آماده است که با شما بعنوان کادرهای حزب و بر مبنای نکات طرح شده در این نامه بحث و گفتگو کند.

در مورد جلسه با دفتر سیاسی برای بررسی مفاد بیانیه جدید بسیاری از نکات طرح شده در این بیانیه در سطح علنی از زوایای مختلفی و از جانب رفقای متعددی از رهبری و کادرهای حزب مورد نقد واقع شده و پاسخ گرفته است. با این همه اگر همچنان مایل به طرح بحث در دفتر سیاسی باشید از نظر من این جلسه تنها میتواند بعد از جلسه هیات دبیران با شما برگزار شود و تصمیم گیری در این مورد به نتایج جلسه هیات دبیران با شما بستگی خواهد داشت. روشن است که این نظر شخصی من است و دفتر سیاسی باید در این مورد تصمیم بگیرد.

با احترام

حمید تقوائی

۴ مه ۲۰۰۷

از: حمید تقوائی

به: رفیق علی جوادی

جایگاه و چشم انداز فراکسیون در جنبش کمونیسم کارگری

خسرو دانش

قدرت سیاسی و بحث سلبی- اثباتی منصور حکمت خلاص کرد و تاخت بطرف "انقلاب سوسیالیستی چپ رادیکال" و لنینیسم و مارکسیسم انقلابی در شکل چپ را نمایندگی کرد. از طرف دیگر رفقای حکمتیست روی سه نکته ی مهم انگشت گذاشت، بحث حزب سیاسی اجتماعی و مدرنیسم و اومانیزم منصور حکمت. منتهی چهارچوب محدود مارکسیسم انقلابی حاکم بر این جریان اجازه نداد متد منصور حکمت را بطور واقعی نمایندگی کند و در راستای متد دوتاکتیک سوسیال دموکراسی مارکسیسم انقلابی و لنینیسم در عرصه ی سیاسی به راست کشیده شد و ابژکتیویسم فویرباخی موجود در این جریان باعث گردید حزب رهبر- سازمانده منصور حکمت به یک "حزب اجتماعی" بزرگ بدون خصلت کمونیستی تبدیل بشود.

موضوع انشعاب نیز از همین نگرش ریشه میگیرد. چپ رادیکال در ظرفیتهای مختلف آن در هر دو سو این مسیر را هموار کرد و تا به خط حمید تقوایی برمیگردد شکل چپ نمای این خط با به هم زدن پرنسپیهای تشکیلاتی و اصول سازمانی منصور حکمت این مسیر را سرعت بخشید. همان بلایی که همین الان دارد بر سر فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری میآورد و آورده است. در صورتیکه از نظر کمونیسم منصور حکمت و مارکس پیروزی تشکیلاتی خط چپ رادیکال در حزب بهیچوجه هیچ امتیازی محسوب نمیشود، بلکه نقطه ی شروع در جهت اضمحلال تشکیلاتی حزب به یادگار مانده از منصور حکمت بود.

درست بموازات زمانی این تحولات من شروع کردم به ارائه ی بحثهاییکه از اساس خط چپ رادیکال را در هر شکل آن از منظر متد کمونیسم مارکس به نقد میکشید. با نقد دستگاه فکری "ماتریالیسم دیالکتیک" خط حمید تقوایی و "ماتریالیسم پراتیک" فلسفیزه شده" خط منشعبین توانستم هرگونه برداشت ایدئولوژیک، فلسفی و تفسیرگرایانه از کمونیسم مارکس را بزیر سوال ببرم و پرچم

شکل خاص خود است. لذا منشعبین تصویرشان از ایدئولوژیک و فرقه ای بودن خط حمید تقوایی بسیار محدود و ناقص بود، لذا خود را خارج از فرقه گرایی تصور میکردند. بهمین دلیل این کوتاه نگری فرقه ای و ایدئولوژیک اجازه نداد رفقای منشعبین مدرنیسم و انسانگرایی منصور حکمت را نمایندگی کنند، وگرنه ظاهراً این رفقا بدست روی عدم وجود این سنت حکمتی و فرهنگ بالا و متمدن کمونیسم منصور حکمت در خط حمید تقوایی انگشت گذاشته بودند. در حالیکه نمیدانستند که کمونیسم هردو، در چهارچوب مارکسیسم انقلابی و چپ رادیکال ظاهراً مدرن بود. بهمین دلایل خط سیاسی حمید تقوایی با خط سیاسی کوروش مدرسی تفاوتی نداشت و سوسیالیسم طلبی و دموکراسی طلبی هردو در نهایت در چهارچوب مارکسیسم انقلابی و چپ رادیکال و لنینیسم بود. سوسیالیسم طلبی حمید تقوایی تا آخرین لحظه های مرگ منصور حکمت در حزب مقاومت کرد و در مقابل خط سوسیالیسم طلبی مارکسی منصور حکمت ایستادگی کرد و وجود چنین مقاومتی را منصور حکمت در موقع بحث روی شعار جمهوری سوسیالیستی حمید تقوایی عنوان کرد، مبنی بر اینکه ما خیال میکردیم حزب را بجلو میبریم، نگو که داریم دوباره به عقب و اوایل انقلاب بر میگردیم. منصور حکمت در حالیکه وارد حوزه ی کمونیسم مدرن و انسانگرایی مارکس شده بود و در افزوده هایش به آن شفافیت هر چه بیشتر بخشیده بود حمید تقوایی داشت در عوالم اثباتگرایی لنینی اسب خود را میتاخت. بهمین خاطر بود که منصور حکمت در پلنوم چهارده مطرح کرد که: "اینکه کمونیسم کارگری الان در حزب حاکم نیست و چند سال دیگر حاکم نخواهد شد خیالم راحت است!" (نقل به معنی).

خط حمید تقوایی با طرح بحث "حزب و انقلاب" در مقابل خط رفقای حکمتیست، خود را از شر بحثهای حزب و جامعه و حزب و

بتدریج از شدت آنها در حزب کاسته بود یکهو بعد از مرگ وی سر بر آورد. این بحثها بحثهایی بودند مختص هویت و دستگاه فکری چپ رادیکال و مارکسیسم انقلابی که عمدتاً حول "ماتریالیسم دیالکتیک" براه انداخته شد و هر چه زمان میگذشت بر ادبیات حزب مستولی میگشت. بحثهایی که رفقای حکمتیست بعد از انشعاب در نشریات خود براه انداختند در نهایت بجایی منجر شد که منصور حکمت را "فیلسوف بزرگ عصر" خطاب کردند و رفیق کوروش مدرسی رسالت اینرا بعهده گرفت تا ماتریالیسم پراتیک منصور حکمت و مارکس را نیز مانند دستگاه فکری "ماتریالیسم دیالکتیک" چپ رادیکال فلسفیزه کرده و آنرا با "فلسفه ی علمی" و دستاوردهای علوم مدرن تطبیق دهد و در نهایت لاید سه جزء و سه منبع کمونیسم کارگری (فلسفه، اقتصاد و سیاست) را بنویسد. بخاطر همین مسائل بود که منشعبین علیرغم فرقه گرا توصیف کردن خط حمید تقوایی، نتوانستند کمونیسم ضد ایدئولوژیک مارکس را نمایندگی کنند و بطور واقعی خط منصور حکمت را به پیش ببرند. میخواستند در مقابل دستگاه فلسفی و جهان نگری ماتریالیسم دیالکتیک چپ رادیکال حمید تقوایی، دستگاه فلسفی و جهان نگری "ماتریالیسم پراتیک" کوروش مدرسی را بیافزینند. در واقع یک گرایش واحد را در شکلهای ظاهراً متفاوت فکری- فلسفی. میخواستند فرقه گرایی کهنه شده ی حمید تقوایی را لباس مدرن و امروزی بپوشانند و این لباس مدرن خیلی از رفقای طرفدار منصور حکمت را گمراه کرد. اصولاً منشعبین خیال میکردند که فرقه گرایی خط حمید تقوایی از فرقه گرایی کمونیسم بورژوایی روسی منتج شده است، در صورتیکه نمیدانستند خود مارکسیسم انقلابی فرقه گرایی سیستماتیک مختص بخود را دارد و یک جریان ایدئولوژیک در

تحولات بعد از فوت منصور حکمت در حزب کمونیست کارگری و منتهی شدن این تحولات به ایجاد فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری دقیقاً پروسه ای بود که در درجه ی اول ناشی از انعکاس رخدادهای اجتماعی و طبقاتی جامعه ی ایران و جهان بود و در درجه ی دوم ادامه ی منطقی و آگاهانه ی راهی بود که مرگ منصور حکمت آنرا تحت عنوان کمونیسم کارگری ناقص گذاشته بود. منصور حکمت در پلنوم چهارده با گفتن اینکه کمونیسم کارگری در حزب حاکم نیست سرنخ اینرا بدست داد که هنوز خط مارکسیسم انقلابی در حزب حاکم است و نمیتواند از این حوزه به حوزه ی کمونیسم کارگری عبور کند. انشعاب بعد از منصور حکمت حاصل نقطه ی تصادم شکل چپ و راست مارکسیسم انقلابی و چپ رادیکال موجود در حزب بود. اصولاً چپ رادیکال حاکم در حزب خط کمونیسم منصور حکمت و مارکس را در حد لنینیسم و مارکسیسم انقلابی جذب کرده بود و این ظرفیت منطقی چپ رادیکال موجود در حزب بود. از یکطرف خط رفیق حمید تقوایی شکل چپ و از طرف دیگر خط رفقای منشعبین شکل راست چپ رادیکال بود. در واقع ایندو گرایش ظاهراً متفاوت، یک گرایش واحد را نمایندگی میکردند و رادیکالسم موجود در خط حمید تقوایی در عرصه ی سرنگونی طلبی نباید دیگران را دچار اشتباه و سردرگمی کند. دو وجه **سوسیالیسم طلبی و دموکراسی طلبی چپ رادیکال** حاکم بر حزب در نهایت به یک نتیجه ی مشترک منجر میشود و این نتیجه ی مشترک چیزی جز آب به آسیاب بورژوازی ریختن نیست. اگر به نشریات دوره ی بعد از مرگ منصور حکمت (و بویژه نشریه ی جوانان کمونیست) نگاهی بیاندازید متوجه میشوید که در عرصه ی ادبیات سیاسی حزب، تمام بحثهای فلسفی ای را که منصور حکمت

جایگاه و چشم انداز فراکسیون در جنبش ...

متد ایدئولوژی آلمانی مارکس را در حزب برافرازم. ایدئولوژیسم و نگرش فلسفی- ایدئولوژیک و فرقه ای مارکسیسم انقلابی و چپ رادیکال حاکم بر حزب را در معرض تهاجم کمونیسم غیر ایدئولوژیک مارکس قرار دهم. خوشبختانه با شروع بحث حزب رهبر- سازمانده از طرف رفقای فراکسیون اتحاد کارگری تازه تاسیس شده در حزب، نقطه ی کنتاکت ایدئو حرکت مدرن ثمره ی فکری بسیار تعیین کننده ای را به ارمغان داد. در واقع این کنتاکت، تحول مهمی را در حزب و در این برهه ی زمانی از حرکت جنبش کمونیسم کارگری سبب شد و دوباره جنبش کمونیسم کارگری را، در خلاء منصور حکمت، روی ریل کمونیسم منصور حکمت و مارکس قرار داد. فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری در این مدت کوتاه توانست دستاوردهای فکری فراوان و حیاتی را به ارمغان بیاورد و به اتوریته ی فکری جنبش کمونیسم کارگری تبدیل بشود، در حالیکه بهچوجه از طرف خط حاکم حزب برسمیت شناخته نشد و تحت انواع فشارها و تهاجم های میدیای چپ سنتی قرار گرفت. فراکسیون توانست متد کمونیسم مارکس را از عرصه های تئوریکتر و عام تر بروی بحثهای مشخص مورد نیاز جنبش کمونیسم کارگری منتقل کند و راه ناقص مانده ی بعد از مرگ منصور حکمت را بفرجام برساند. ارتباط متد کمونیستی موجود در بحثهای اخیر منصور حکمت را با متد کمونیسم اجتماعی مارکس نشان دهد و تئوری حزب سیاسی مارکسی را ارائه دهد و بر همین مینا و متد، به نقد حزب نظریه ی انقلابی، حزب مبلغ- مروج و ساختار "سانترالیسم دمکراتیک" سنتی موجود در آن بپردازد و محدودیتهای کمونیسم لنین را بخوبی و شفافیت نشان دهد و حرف منصور حکمت مبنی بر اینکه "لنینیسم قابل تعمیم به شرایط ایران نیست" را بطور اثباتی به اثبات رساند، بحثهایی که صد سال آینده نیز چپ رادیکال حاکم بر

سازمانی دادن به ایدئو حزب بیشتر سرنوشتی شبیه کنفرانس وحدت و وحدت طلبی سازمانی چپ سنتی اوایل انقلاب را پیدا خواهد کرد و البته عمدتاً از طرف حزب کمونیست کارگری (ما). در حالیکه تحلیلاً احتمال داده میشود دلیل حاکمیت چپ رادیکال بر حزب و با توجه به دو تجربه ی انشعاب رفقای حکمتیست و به بن بست رساندن فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری در حزب از طرف چپ رادیکال حاکم، همچنان طبیعتاً باید شاهد انشعابهایی دیگر در حزب باشیم، چطور میتوان فراخوان وحدت سازمانی را به این حزب داد و یا به رفقای حکمتیست که بجای بحث حول فراخوان فراکسیون، خود بزرگ بینی چپ رادیکال باعث میشود پیشنهاد پیوستن به حزیشان را بدهند(در واقع بجای شرکت در این فراخوان و بحثهای فراکسیون، راه حل تشکیلاتی مختص چپ رادیکال را در جلو روی فراکسیون قرار داده اند). با توجه به این مسائل چپ رادیکال و سنتی مدعی کمونیسم منصور حکمت و کمونیسم کارگری بطور منطقی بیشتر در جهت ایجاد شکافهای سازمانی مکرر در جنبش کمونیسم کارگری و بویژه در احزاب کمونیستی کارگری و حکمتیست حرکت خواهد کرد تا در راستای اتحاد سازمانی این جنبش و احزاب بنظر من این تحلیل و تجربه ی اخیر فراخوان فراکسیون، حرکت ویژه ای را از این جریان طلب میکند. این حرکت ویژه این است که فراکسیون اول از همه باید خود را بدور از فراخوان اتحاد، بعنوان تنها آلترناتیو فکری کمونیسم منصور حکمت و مارکس معرفی کند و بحثهای خود را در این راستا به پیش ببرد و تکمیل کند و این را نقطه ی عزیمت خود قرار دهد. در درجه ی بعدی فراکسیون توأم با فراخوان اتحاد سازمانی دو حزب و کل نیروهای موجود در جنبش کمونیسم کارگری، باید صراحتاً اعلام کند که بدون نقد گرایش چپ رادیکال و سنتی در جنبش کمونیسم کارگری و بویژه

دو حزب موجود آن، امکان هیچگونه وحدت سازمانی وجود ندارد و ریشه ی این تفرقه سازمانی در جنبش کمونیسم کارگری در وجود گرایش چپ رادیکال و سنتی موجود در این جنبش و احزاب است. فراکسیون باید این بحث را قبول کند که چپ رادیکال و سنتی موجود در جنبش کمونیسم کارگری هرگز و ابداً به نقد خود تن نخواهد داد و هرگز قبول نخواهد کرد که عامل پراکندگی سازمانی در جنبش کمونیسم کارگری میباشد، وگرنه چپ رادیکال و سنتی نمیشد. فراکسیون باید این متد را بپذیرد که چپ رادیکال موجود در جنبش کمونیسم کارگری یک افق اجتماعی و طبقاتی است که با بحث و فراخوان تغییر پذیر نیست. منتهی با توجه به اینکه همین چپ رادیکال مدعی کمونیسم منصور حکمت است و خود را شکلا به لباس کمونیسم کارگری در آورده است مبنای حرکت فراکسیون باید این باشد که این چپ را بیشتر در تنگنای حرکت و ادعای متناقض خود قرار دهد و این افق و رهبری را از طریق بدنه این احزاب تحت فشار قرار دهد تا حداقل بتواند این گرایش را از صف کمونیسم کارگری به بیرون هدایت کرده یا به نقد خود وادار کند. لذا صرف فراخوان اتحاد دادن و این را نقطه ی عزیمت خود کردن نسبت به چپ رادیکال حاکم، یک حرکت بیهوده و بی ثمری است و موجب خواهد شد تا فراکسیون زمان پراتیک بسوی ایجاد حزب رهبر- سازمانده برای تسخیر قدرت سیاسی را از دست بدهد و در متن فراخوان خود به یک سراب فکری- عملی چشم بدوزد و همیت فکری- عملی اصلی خود را تحت الشعاع یک بحث و فراخوان جنبی قرار دهد. بنظر من فراکسیون با توجه به بحثها و دستاوردهای فکری اش بهتر است عمدتاً به نسل جدید و مدرنی در جنبش کمونیسم کارگری و جامعه چشم بدوزد که ثمره ی جنبش مدرنیته در قیال اسلام سیاسی بوده و لایق این دستاوردهاست و خود این نسل جدید از مسیری دیگر و بگونه ای دیگر به این نقطه ی اشتراک با فراکسیون نائل آمده است. چنین

نامه فراکسیون به ارگانهای رهبری...

در حاشیه پاسخ رفیق حمید تقوایی به درخواست فراکسیون

متأسفانه رهبری حزب به آخرین تلاشها و اقدامات ما برای فائق آمدن بر تنشهای موجود در حزب دست رد زد و بر خط سیاسی تشنج آفرین تانکونی خود پافشاری کرد. و در پاسخ به نامه ما خط و نشانهای خود را یاد آوری کردند.

ما تلاش کردیم تا امکان و شرایطی جدید برای بررسی اختلافات درون حزبی در فضایی متفاوت از برخوردهای تانکونی رهبری حزب ایجاد کنیم. پیشقدم شدیم. گام اول را برداشتیم. پلاتفرم جدید ارائه دادیم. اما رهبری حزب بر تمام این تلاشها خط بطلان کشید.

ما تلاش کردیم تا قبل از کنگره ششم حزب گامی دیگر در جهت بهبود مناسبات درون حزبی و نرمالیزه کردن شرایط فعالیت فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری در حزب برداریم. اما با واکنش متفرعانه و منفی رهبری حزب مواجه شدیم.

ما پلاتفرم دیگری در زمینه اختلافات خود با رهبری حزب ارائه دادیم که بطور موجز محورهای اختلاف ما با خط مشی حاکم بر رهبری حزب را نشان میدهد. این پلاتفرم را به رهبری اجرایی - سیاسی حزب و دفتر سیاسی برای بررسی ارائه دادیم.

اما رفیق حمید تقوایی اعلام کرد که ادامه فعالیت فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری با هر تغییری عملاً غیر ممکن است و حزب از برسمیت شناختن آن سر باز خواهد زد. تشکیل فراکسیون یک امر بدیهی در سنت تحزب کمونیسم کارگری است. ما تلاشهای لجوجانه بمنظور ممانعت از ادامه فعالیت در چهارچوب فراکسیون را مغایر سنت کمونیسم منصور حکمت میدانیم.

ما پلاتفرم جدید خود را به دفتر سیاسی حزب برای بررسی ارائه دادیم اما رفیق حمید تقوایی بدون دست داشتن مجوز دفتر سیاسی و با زیر پا گذاشتن محدوده اختیارات لیدر در حزب، راساً اعلام کرد که حتی بررسی این پلاتفرم در دفتر سیاسی منوط به نتیجه ملاقات با رهبری اجرایی حزب است. (البته برای خالی نبودن عریضه نیز اعلام شد که این نظر شخصی است). دفتر سیاسی در کنار لیدر و ماشین اجرایی حزب یک رکن رهبری حزب است. ناظر بر اجرای فعالیت و کارکرد لیدرشپ حزب است. تبدیل دفتر سیاسی به یک ابزار تحت کنترل لیدر یک نقض آشکار مصوبات حزبی و نشان عدم پابندی لیدر حزب به موازین روشن حزبی است.

ما اعلام میکنیم که مسئولیت شکل دادن و تداوم تنش و بحران درونی حزب تماماً بر عهده رهبری کنونی حزب است.

علی جوادی

جایگاه و چشم انداز فراکسیون در جنبش ...

و نسلی هم اکنون تکوین پیدا کرده است

و دارد میرود تا از خود موجودیت فکری- عملی منسجمی نشان دهد.

فراکسیون باید نماینده ی فکری کمونیسم مدرن چنین نسلی باشد و از نسل چپ رادیکال و سنتی در حال اضمحلال قطع امید کند. چپ رادیکال موجود در رهبری احزاب کمونیسم کارگری شاید چند صباحی با سماجت، میز و صندلی قدرت و رهبری را در این احزاب قبضه کند، ولی نسل مدرن

مورد اشاره بزودی این افق اجتماعی را از این احزاب به بیرون پرتاب خواهد کرد و این احزاب را نه امروز و فردا ولی در یک آینده ی بسیار نزدیک بدست خود خواهد گرفت. نقطه ی عزیمت و مورد خطاب ما باید چنین نسل و جنبشی باشد. فراکسیون با توجه به بحثهای اخیرش شایستگی اینرا دارد چنین نسلی را نمایندگی کند و این بحثها از آن چنین نسل مدرنی ست. لذا نیرو گذاشتن استراتژیک و دراز مدت بر چپ رادیکال در حال اضمحلال و فراخوان وحدت دادن به این افق اجتماعی سنتی یک امر بی ثمری ست، هرچند فراکسیون باید نهایت تلاش خود در به وحدت رساندن نیروهای پراکنده ی جنبش کمونیسم کارگری را بکار گیرد و در یک حالت منفی حداقل تا حد ممکن بتواند چنین نیروهایی را به ائتلافهای تاکتیکی و کمپینی در راستای پراتیک حزب رهبر- سازمانده قانع کند و برساند.

و در نهایت فراکسیون برای اینکه به یک جریان هر چه بیشتر بالنده تبدیل بشود باید بحثهای ناقص مانده کمونیسم کارگری را به اتمام برساند، اگر میخواهد نماینده ی فکری- سیاسی نسل مدرن جنبش کمونیسم کارگری باشد و اگر میخواهد همچنان تنها آلترناتیو فکری و تئوریک و سیاسی جنبش کمونیسم کارگری بماند. بحثهای بولتن شوروی دوباره باید توسط فراکسیون پی گرفته شود و ادامه ی دستاوردهای فکری منصور حکمت را در این عرصه بجا بیاورد. لذا باید به تبیین نوینی از تجربه ی شوروی برسد و عوامل این شکست را بطور کامل باتوجه به آخرین متد مارکسی خود بررسی و تثبیت نموده و این دستاوردها را راهنمای حرکت کمونیسم کارگری بعد از کسب قدرت سیاسی قرار دهد تا دوباره با تجربه ی تلخ شکستی دیگر از کمونیسم مواجه نباشد و اینبار راه خود را آگاهانه طی نماید و ساختمان سوسیالیسم خود را با موفقیت به انجام رساند.

فراکسیون باید تئوری حزب اجتماعی خود را تا حدی تثبیت نماید که بورژوازی را عمدتاً در زمین خود شکست بدهد و مثل چپ رادیکال نیروی جنبش کمونیسم کارگری را به مصاف نابرابر رژیم فاشیستی و ایدئولوژیک اسلام سیاسی نفرستد. این نوع حرکتها از آن چپ رادیکال بوده و با تهییج بیهوده ی مردم، در دستور خود، متد **مردم و رژیم** را قرار میدهد نه **حزب و مردم** را. فراکسیون باید بحث شکست دادن بورژوازی در زمین خود را بطور منسجم و تئوریک در دنیای نظم نوین جهانی و میلیتاریسم دولتهای غربی و تروریسم اسلام سیاسی تثبیت کند. سوسیالیسم طلبی چپ رادیکال تنها دستاویز مناسب و ممکن برای رژیم جمهوری اسلامی ست که بهتر بتواند جنبش سرنگونی مردم را به استیصال برساند و سرکوب کند. تنها سوسیالیسم طلبی مارکس و منصور حکمت است که میتواند این رژیم فاشیستی را بزانو در بیاورد و تلفات انسانی کمتر بدهد. کمونیسم کارگری در عصر نظم نوین سرمایه و میلیتاریسم آن و در قبال دولتهای سرکوبگر مذهبی، باید بخود موجودیت اجتماعی به **معنی وسیع این کلمه** بدهد. فراکسیون باید بحث سوسیالیسم بلاواسطه ی مارکس را بعد از کسب قدرت سیاسی در قبال بحث ساختمان سوسیالیسم و اقتصاد دولتی چپ رادیکال به یک بحث تثبیت شده تبدیل کند. فراکسیون باید ماهیت متضاد چپ رادیکال حاکم برحزب را با برنامه ی یک دنیای بهتر تحلیلاً به اثبات برساند و اینرا اثبات نماید که این گرایش بعد از پیروزی به برنامه ای فراتر از برنامه ی بلشویکها عمل نخواهد کرد و اصولاً ظرفیت عمل به برنامه ی یک دنیای بهتر را ندارد.

خلاصه کمونیسم کارگری مورد نظر فراکسیون باید تمام ویژگیهای فکری- عملی جهان در آستانه ی قرن بیست و یکم را داشته باشد. تنها چنین کمونیسمی میتواند نماینده ی نسل جنبش کمونیستی مدرن باشد.

8 مه 2007

اتحاد کمونیسم کارگری؛ پاسخ به دو سوال علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی



یک دنیای بهتر: پروژه اتحاد صفوف کمونیسم کارگری و بیانیه اخیر چه هست و چه نیست؟ مهمترین دلیل و اهمیت صدور این بیانیه کدامست و چه هدفی را دنبال میکند؟

علی جوادی : بیانیه بطور جامع و همه جانبه ای به این مسائل پرداخته است اما شاید تاکیدات و توضیحات مجددی لازم است. بیانیه از یک مشاهده عمومی و یک ضرورت کلی آغاز میکند. به بررسی موقعیت جنبش کمونیسم کارگری در جامعه میپردازد. و به چند حلقه گری در پیشروی جنبش کارگری اشاره میکند.

واقعیت این است که کمونیسم کارگری امروز در موقعیت تاریخی و استثنایی قرار گرفته است. این اولین باری است که پس از انقلاب کارگری اکتبر، کمونیسم کارگری در موقعیتی قرار گرفته است که میتواند یکبار دیگر سهم و نقش تاریخی خود را در تعیین سرنوشت و مقدرات جامعه ایفا کنند و به آرمان دیرینه بشری یعنی آزادی و برابری و رفاه جامعه عمل ببوشانند. کمونیسم کارگری امروز یک بازیگر اصلی معادله تصرف قدرت سیاسی است. این بار بر خلاف دوره های گذشته کارگر و توده مردم زحمتکش در جدال بر سر تصرف قدرت سیاسی نمایندگی میشوند. کمونیسم کارگری تنها اردویی است که با آزادیخواهی و برابری طلبی و انسانیت و حق طلبی تداعی میشود. از طرف دیگر هیچگاه در طول تاریخ معاصر ایران کمونیسم اینگونه بیان روشن و صریح آرزوها و خواسته های کارگر و توده های عظیم مردم نبوده است. این مجموعه شرایط تماما به موقعیت ویژه و استثنایی کمونیسم کارگری در تحولات جامعه اشاره میکند. کمونیسم کارگری میتواند

در تحولات آتی جامعه پیروز شود. کاری هرکولی در مقابل جنبش ماست. اما کمونیسم کارگری شانس و امکان پیروزی دارد. این امکان برای جنبش ما وجود دارد که نمونه پرشکوهی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه را در اوایل قرن بیست و یکم پایه ریزی کند. به سلسله طبقات دارا و سرمایه بر شئونات زندگی مردم و جامعه پایان بخشد و تاریخ تمدن نوین بشری و انسانیت را آغاز کند. جامعه در آستانه تحولات عظیم اجتماعی و یک انقلاب قرار گرفته است. انقلاب ایران تنها میتواند یک انقلاب تمام عیار کارگری با هدف انبثاتی یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی، باشد.

اما پیروزی محتوم نیست. در دسترس و قابل حصول است، اما محتوم نیست. برای پیروزی باید بر موانع بسیاری غلبه کرد. بخشی از این معضلات و مشکلات درونی هستند. ضعفهایی هستند که جنبش ما باید برای پیشروی به آنها پاسخ دهد. بیانیه به سه مساله پایه ای : ۱- ضعف توان سازماندهی جنبش ما، ۲- پراکندگی و سازمانی و حزبی جنبش ما، و بالاخره ۳- فاصله مقبولیت اجتماعی و درجه سازمانیابی و سازمانیافتگی جنبش ما، اشاره میکند.

جنبش ما نیازمند تقویت و فائق آمدن بر ضعف قدرت سازماندهی خود در جامعه است. بحث منصور حکمت در زمینه تبدیل حزب به حزب "سازمانده - رهبر" اساسا پاسخی به این مساله گری جنبش ماست. (در این زمینه بطور مفصل تری در نشریه "برای یک دنیای بهتر" بحث شده است که توجه علاقمندان را به آن جلب میکند). بخش حزبیت یافته جنبش ما هنوز نتوانسته است اجتماعا به حزب در برگیرنده رهبران عملی این جنبش تبدیل شود.

جنبش ما به لحاظ سازمانی دچار انشقاق و چند پارگی شده است. فاقد حزب یکپارچه سیاسی و یک مرجعیت سیاسی، نظری و حزبی واحد است. بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای این جنبش که خود را با کمونیسم منصور حکمت بیان میکنند، در خارج از حیطه سازمانی و حزبی موجود در جنبش کمونیسم کارگری قرار دارند. در یک نگاه دیگر و پس از گذشت چند سال از انشعاب در حزب کمونیست کارگری باید گفت که انشعاب ضربه سنگینی بر پیکر جنبش کمونیسم کارگری وارد کرده است. درجه دوری نیروهای حزبی جنبش ما به هیچوجه با درجه اختلافات سیاسی این نیروها تناسب ندارد. رقابت، مناسبات سرد و بعضا غرض آلود، یک بیماری کنونی جنبش ماست.

و مهمتر، فاصله محبوبیت سیاسی جنبش ما با موقعیت سازمانی و تشکل یابی آن یک معضل دیگری است که باید بر آن فائق آمد. جنبش ما محبوب است. اجتماعی و گسترده است. بیان آرزوهای دیرینه و تاریخی مردم است. اردوی آزادی و برابری و رفاه است. اما درجه سازمانیافتگی و تشکل یابی جنبش ما بسیار پایین تر از قدرت و گستردگی و حوزه نفوذ و عمل آن در جامعه است.

بیانیه "بسی اتحاد صفوف جنبش کمونیسم کارگری" هدفش جلب توجه نیروهای مختلف این جنبش به این مسائل حاد و گریه است که پیشاروی ما برای پیشروی قرار دارد. پیروزی کمونیسم کارگری در تحولات حاضر منوط به غلبه بر این مسائل پایه ای است. اما سئوال اساسی اینجاست که چگونه؟

فائق آمدن بر این ضعفها تنها بر اساس یک پرچم سیاسی معینی ممکن است. پرچم کمونیسم منصور حکمت. پرچم گرایشات دیگر در این جنبش که بعضا خود را با "عبور از منصور حکمت" بیان میکنند، راه حلی برای پیروزی کمونیسم کارگری نیستند. کمونیسم کارگری در ایران تنها و تنها میتواند با کمونیسم منصور حکمت پیروز شود. مباحثی که منصور حکمت در پلنوم ۱۴ حزب بر آن تاکید کرد، نقشه عمل و راه پیشروی و معضلات راه را روشن کرده است. ما همه فعالین و کادرهای این جنبش را به بحث و ارائه راه حل دعوت میکنیم.

پرسیده اید که این بیانیه بر سر چه نیست؟ من تردیدی ندارم که گرایشات بازدارنده در جنبش این فراخوان ما را به هر چیز غیر از آنچه که واقعا هست تعبیر خواهند کرد. "تعلیل و واقعیات" برایمان خواهند نوشت. این مسائل تماما بخشی از معضلاتی است که باید از سر راه برداشت.

به هر حال بحث ما تلاشی برای "مخرج مشترک گرفتن" از گرایشات موجود در جنبش کمونیسم کارگری نیست. ما به دنبال "کنفرانس وحدت" گرایشات نیستیم. ما خواهان "اتحاد گرایشات" موجود در جنبش کمونیسم کارگری نیستیم. ما خواهان کمرنگ کردن "تفاوتهای سیاسی" در جنبش مان نیستیم. برعکس، خواهان غلبه بر ضعفهای جنبش خودمان هستیم. خواهان حاشیه ای کردن گرایشات "راست" و "چپ" در این جنبش هستیم. ما خواهان اتحاد کمونیسم کارگری هستیم، اما تحت لوای پرچم و خط مشی معینی. پرچم کمونیسم منصور حکمت! جایی برای "تعلیل" نیست. "واقعیات" زحمت

اتحاد کمونیسم کارگری؛ پاسخ به دو سوال...

را باید تغییر داد!

سپاوش دانشور: در پایه ای ترین سطح این بیانیه محصول یک بازبینی انتقادی به سیر حرکت جنبش ما و موقعیت آن بعد از درگذشت نابهنگام منصور حکمت است. جنبش ما از این مقطع دچار تلاطماتی شد و علیرغم پیشرویهای معین مجموعاً تضعیف شد. در سطح سازمانی و حزبی دچار یک انشعاب شد که لطامات مهمی وارد کرد. در وضعیت کنونی ما با سوالات معینی روبرو هستیم؛ اولاً موقعیت کمونیسم در ایران و کلاً راه حل چپ در جامعه تقویت شده است. نیاز جامعه ایران به کمونیسم و ریشه دار بودن این سنت در متن جدالهای اجتماعی و طبقاتی و اقتصاد سیاسی یک جامعه سرمایه داری، کمونیسم را بعنوان یک آپشن و راه حل به جلو صحنه میراند. این فرض بحث ماست. همینطور مسئله آمادگی حزبی و تشکیلاتی این نوع کمونیسم و پاسخی که باید به نیازها و ملزومات مبارزه اجتماعی و طبقاتی بدهد یک سوال محوری دیگر است. و بالاخره این نکته که از نظر ما پیروزی کمونیسم در ایران تنها میتواند روی بسیج و متشکل کردن کل نیروی این جنبش روی خط مشی مارکسیستی و کمونیستی کارگری منصور حکمت متحقق شود. چپ رادیکال حتی در انتهای رادیکالیزاسیون خود، بنا به ویژگیها و ظرفیتهای تاریخی این چپ، حتی در اشکال بازسازی شده دنیای بعد از جنگ سرد، قابلیت به پیروزی رساندن این جنبش را ندارد.

بنا بر این بحث ما پرده دیگری از مباحث اتحاد و اتفاق در چپ ایران و جهان نیست. بحث ما برسر تئورانس و مینیم ها و یا سازش گرایشهای مختلف نیست. نقطه شروع ما کمونیسم منصور حکمت است. همینطور بحث ما صرفاً برسر اتحاد حزبی بخشهای

متشکل و متحزب این جنبش نیست. این تصویری تقلیل گرایانه از این خط است که متأسفانه در هر دو سو تلاش دارند اینگونه تعبیر کنند. ما برای متشکل کردن نیروهای جنبش کمونیسم کارگری که بسیار وسیع تر و گسترده تر از سازمانهای حزبی و متشکل این جنبش است تلاش میکنیم. جنبش شورائی کارگری بخشی از جنبش ماست. جریان رادیکال و سوسیالیست درون طبقه و گرایش ضد سرمایه داری که امحا سرمایه داری را از طریق افق یک انقلاب کارگری را دارد بخشی از جنبش ماست. جریانات و محافل متنوع و امروز باید گفت گسترده سوسیالیستی و کمونیستی که از ادبیات و نگرش کمونیسم کارگری و مشخصاً منصور حکمت الهام میگیرند و یا حتی مستقیماً خود را اینگونه معرفی میکنند بخشی از جنبش ماست. حرکت علیه تبعیض و نابرابری در جامعه بخشی از جنبش ماست. این نیروها باید متشکل شوند. سازمان واحد کمونیسم کارگری یک تلقی استراتژیک ما در این بحث است.

اتحاد کمونیسم کارگری وجهی از بحث ملزومات پیروزی کمونیسم در ایران و کسب قدرت سیاسی است. کجا ایستاده ایم، نقطه قدرتها و نقطه ضعفهایمان کدامند، به چه سوالاتی باید پاسخ دهیم، چه روشهایی را باید اتخاذ کنیم، کدام روشها و سنتها را باید تماماً دور بریزیم، سازمان حزبی کمونیسم کارگری امروز چگونه باید باشد، یک حزب رهبر و سازمانده چه ویژگیهایی دارد، مصافهای فکری و تئوریک امروز کمونیسم کارگری کدامند و غیره همه در مقابل این جنبش صف کشیده اند. پاسخهای تاکنونی از هر سو به این سوالات هنوز ناکافی هستند. بعضاً نادرست اند و بعضاً حتی وارد موضوع نشدند. در مورد مشخص انشعاب در حزب، ما امروز ارزیابی دیگری داریم. فکر میکنم در بدنه و بحشا رهبری هر دو حزب نیروی وسیعی هست که این

واقع را امروز از عینک انتقادی میبیند و فراکسیون پیشرو این اقدام شد. در عین حال برای ما روشن است که خط حاکم در هر دو سو، علیرغم تفاوتها و نقطه عزیمتها و پوشش تئوریک و سیاسی که بخود میدهد، چه در بنیانهای فکری و چه در مشی سیاسی و حزبی عمیقاً از چپ رادیکال متأثر است. در موارد معینی نگرش کمونیستی کارگری را کمرنگ کرده یا با تعابیر خود ویژه آن را اساساً کنار گذاشته است. در نتیجه ما تلاش میکنیم با فرض همه این مشکلات لطامات وارد شده را بازسازی کنیم. تابوها و دیوارهای بی اعتمادی که در پس این نوع جدائیها شکل میگیرند را کنار بزنیم و بعنوان عناصر درگیر در یک واقعه مهم مسئولانه به امر سرنوشت جنبش مان برخورد کنیم. تردیدی نداریم که این تلاش با عکس العملهای نامناسب و مارک زدنهای ویژه فرهنگ سیاسی چپ رادیکال مواجه میشود و تاکنون شده است. از اطلاق لفظ زشت "رهبران نادم" تا تلاش برای انتساب میزان مسئولیت به افراد معین و یا موضعگیری غیر سیاسی و حق بجانب در مسیر تاکنونی حداقل برخوردها به این بحث خواهد بود. ما برای همه این واکنشها از پیش آماده بودیم و هستیم. اما اینها یک طرف موضوع اند و نیازهای واقعی و پراتیکی و فی الحال موجود و جاری جنبش ما طرف مهمتر این بحث اند. دستکم در ایران و در میان طبقه کارگر و نیروهای کمونیسم کارگری بحث ما با استقبال مواجه شده است. ما میخواهیم با شهادت تاریخی به این واقعه نگاه کنیم، مسئولیت بپذیریم، از موضع منافع آنی و آتی جنبش کمونیسم کارگری و مصالح کمونیسم در ایران به این واقعه نگاه کنیم و راهمان را هموار کنیم. حرکت ما دو رکن اساسی دارد؛ تاکید روی کمونیسم مارکسیستی منصور حکمت و تلاش برای قرار دادن کمونیسم کارگری در صف اول جدال قدرت سیاسی. ممکن است این تلاش نهایتاً شکست بخورد. ممکن است. اما اگر به نتیجه هم

نرسد، بدون شک دستاوردهای زیادی خواهد داشت و مجموعاً به تقویت خطی منجر خواهد شد که منافعش را کل جنبش ما خواهد برد. ما ناچاریم تلاش کنیم. هیچ چیزی از پیش محتوم نیست.

آذر ماجدی: جنبش کمونیسم کارگری در ایران بسیار وسیع است. اکنون در ایران کمونیسم کارگری بعنوان یک جنبش موجودیتی انکار ناپذیر یافته است. اگر 30 سال پیش اعتراض کارگری به سرمایه و مناسبات سرمایه دارانه زیر آوار کمونیسم غیرکارگری محو میشد و امکان بروز روشن و صیقل یافته پیدا نمیکرد. اکنون این شرایط تغییر یافته است. اعتراض طبقاتی کارگری به روشنی سرمایه را هدف میگیرد و حتی اگر بخاطر شرایط سیاسی حاکم قادر نیست بنام مارکس و مانیفست کمونیست ابراز وجود کند، این یک داده انکار ناپذیر جامعه ایران است که اعتراض طبقاتی طبقه کارگر ایران با کمونیسم کارگری تداعی میشود. این یک دستاور مهم جنبش کمونیسم کارگری است. و این محصول مبارزه قاطع تئوریک و سیاسی منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری است. منصور حکمت بارها اعلام کرده بود که حزب کمونیست کارگری نوک کوه یخ جنبش کمونیسم کارگری است و حتی اگر این حزب از میان برود، حزب کمونیست کارگری در داخل کشور از درون این جنبش وسیع ساخته خواهد شد.

در شرایط کنونی، به یمن وجود شرایط سیاسی متحول و منقلب و وجود یک حزب کمونیستی انقلابی که بمدت یک دهه و نیم آرمانهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه کمونیستی را نمایندگی کرده و مطالبات و امیال بیان شده در برنامه یک دنیای بهتر را در جامعه اشاعه داده است، جنبش کمونیسم کارگری صرفاً به درون جنبش اعتراضی طبقه کارگر محدود نمیشود. کمونیسم کارگری به درون جنبشهای اجتماعی مترقی و پیشرو رسوخ کرده و یک

اتحاد کمونیسم کارگری؛ پاسخ به دو سوال...

گرایش متمایز را درون این جنبش ها تشکیل میدهد. گرایش رادیکال در جنبش حقوق زن، حقوق کودک، سکولاریست، خلاصی فرهنگی و حقوق مدنی توسط کمونیسم کارگری نمایندگی میشود. اگر کمونیسم درون طبقه کارگر بطور اجتماعی بازتولید میشود و یک داده سوخت و ساز درونی طبقه کارگر است، در میان جنبش های اجتماعی دیگر چنین نیست. اگر جنبش های اعتراضی پیشرو این چنین با کمونیسم کارگری آمیخته شده اند، بخاطر وجود یک افق روشن اجتماعی و سیاسی و وجود یک حزب سیاسی معین است. کمونیسم کارگری حکمتی توانسته است کاملا بر جنبش های اعتراضی اجتماعی درون جامعه ایران تاثیر بگذارد و مهر خود را بر این جنبش ها بکوبد.

اما اگر کمونیسم کارگری بعنوان یک جنبش وسیع است و وزنه آن در سطح اجتماعی و در عرصه سیاسی کاملا احساس میشود، از نظر سازمانی دچار تشتت و پراکندگی است. این یک معضل مهم در مقابل اتحاد کمونیسم کارگری بطور کلی و مانعی در مقابل پیروزی کمونیسم کارگری در جدال سیاسی عمومی است. مرگ منصور حکمت شرایطی را درون حزب کمونیست کارگری بوجود آورد که به یک انشعاب مهم درون این حزب انجامید و در نتیجه آن دو حزب تحت نام کمونیسم کارگری به فعالیت پرداختند که هر یک مدعی نمایندگی منصور حکمت، برنامه یک دنیای بهتر و سنت های حزبی کمونیسم کارگری حکمتی شدند. این انشعاب، پراکندگی و تشتت، بویژه اینکه بشکلی کاملا زشت و ناهنجار بوقوع پیوست ضربات مهلکی به جنبش کمونیسم کارگری وارد آورد. پایه های اعتماد سیاسی و تئوریک که در زمان حیات منصور حکمت سریعاً درحال رشد و گسترش بود، بشدت سست کرد. هم اکنون منفردین و محافل بسیاری هستند که خود را

است کمونیسم کارگری هم به همان بلایی دچار شود که در تاریخ جنبش کمونیستی و چپ بارها و بارها اتفاق افتاده است؟ آیا کمونیسم کارگری هم قرار است به سرنوشت خانواده فدائی دچار شود؟ قرار است هر اختلاف سیاسی و تاکتیکی و سبک کاری به جدایی و انشقاق منجر شود؟ و هر یک دیگری را به "انحطاط و مک کارتیسم" متهم کند؟ این یک فاجعه است. و ما بعنوان عناصری از کمونیسم کارگری که دو دهه است داریم برای پیروزی آن مبارزه میکنیم باید قدم جلو بگذاریم و از وقوع این فاجعه و گسترش این بلا جلوگیری کنیم. این علت اصلی شکل گیری این پروژه و انتشار این بیانیه است.

بنظر من باید فاکتور های عینی و ابژکتیوی برای قضاوت تعلق یک جریان به جنبش کمونیسم کارگری در نظر گرفت تا مانع درغلطیدن به جنگ فرقه ای شویم. منصور حکمت لیدر نظری، فکری، تئوریک و سیاسی کمونیسم کارگری در میان ما نیست. ما بعنوان جنبش کمونیسم کارگری نیازمند بدست دادن چنین معیارهایی هستیم. باید بپذیریم که جدل تئوریک به تندترین شکل آن درون جنبش کمونیست کارگری مجاز است. باید بتوان ظرفیت های سیاسی - تئوریک را در این جنبش ارتقاء داد. باید مانع دامن زدن به یک جو اخلاقی و ایدئولوژیک شد که مانعی جدی در مقابل جدل تئوریک - سیاسی قرار میدهد. این تنها راه رشد خلاق و باز کمونیسم کارگری در ابعاد تئوریک و فکری است، بدون آنکه به گسست و انشقاق سازمانی منجر شود.

تاریخ 5 سال اخیر، تجربه انشعاب، تشکیل فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری و شکل گیری اختلافات و نقد درون حزب حکمتیست که تا آستانه تشکیل یک فراکسیون پیش رفت، به تصویب قرار "تقییح" در پلنوم کمیته مرکزی بجای پاسخ

سیاسی و بالاخره به استعفاي چند تن از کادرهای با سابقه کمونیسم کارگری از این حزب انجامید، نشان میدهد که دو حزب موجود فاقد این ظرفیت اند. جدل نظری و تئوریک سریعاً به یک فضای اخلاقی، ایدئولوژیک و متعصب آلوده میشود. مباحث و نقد نظری بلافاصله شخصی میشود و بجای پاسخ نظری با ترور شخصیت مواجه میشود. این بعضاً از عدم اعتماد به نفس در پاسخگویی تئوریک سیاسی و هراس از از دست دادن موقعیت رهبری و حزبی ناشی میشود. دلایل آن هر چه باشد این خصلت ربطی به سنت های حزبی منصور حکمت ندارد و در بستر خصلت های سازمانی چپ سنتی و فرقه ای قرار میگیرد. این مساله یکی از موانع مهم پروژه اتحاد کمونیسم کارگری است. علیرغم این معضلات باید معیارهایی تعیین کرد که تعلق به جنبش کمونیسم کارگری بر مبنای آن به یک واقعیت عینی بدل شود. بنظر من برنامه یک دنیای بهتر، اصول سازمانی حزب، مباحث پایه ای و کاراکتریست کمونیسم کارگری که توسط منصور حکمت به روشنی تبیین شده بعلاوه مباحث حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی در سطح استراتژی قدرت گیری میتواند معیارهای قضاوت و تشخیص باشد. حول این میتوان بحث کرد و به فاکتورهای مشترکی دست یافت.

در جدالی که در حزب کمونیست کارگری به انشعاب انجامید، برعکس تلقی رهبری حاکم در دو حزب به پیروزی کمونیسم کارگری بر چپ سنتی یا بر جریان راست منتهی نشد. خط کمونیسم کارگری و منصور حکمت در این جدال بسیار ضعیف بود و عملاً زیر دست و پا ماند. خطوط رسمی حاکم بر دو حزب و اصول حزبی حاکم در هر دو حزب از جهات بسیار با خط منصور حکمت و سنت های او بیگانه است. نبرد نهایی میان دو خط چپ رادیکال پیش برده شد. خط منصور حکمت در این جدال نمایندگی نشد.

اتحاد کمونیسم کارگری؛ پاسخ به دو سوال...

به این ترتیب آیا نباید هر دو جریان را خارج جنبش کمونیسم کارگری دانست؟ بنظر من خیر. باید پذیرفت که درون جنبش کمونیسم کارگری نیز اختلافات سیاسی وجود خواهد داشت. کمالینکه در زمان حیات منصور حکمت نیز وجود داشته است. اما در آن زمان بعثت اتوریته بسیار بالای معنوی و سیاسی منصور حکمت این گرایشات درون حزب کمونیست کارگری در حاشیه و سکوت بسر میبردند. پس از مرگ او و در خلاء وجود این رهبری تثوریک و سیاسی، این گرایشات فعال شدند و به جلوی صحنه آمدند و یک جدال ناخواسته بر حزب کمونیست کارگری تحمیل شد که کمر این حزب را شکست. باید از این گذشته آموخت. باید تلاش کرد ضرر ها را جبران کرد. پیروزی کمونیسم کارگری باید بعنوان تنها هدف ما مد نظر باشد. سکتاریسم باید کنار زده شود. صفوف کمونیسم کارگری را باید متحد کرد.

بحث ما تشکیل کنفرانس وحدت به سیاق سال های پس از انقلاب (آنطور که رهبری حزب کمونیست کارگری میخواست قلمداد کند) نیست. وحدت دو حزب در شرایط کنونی بنظر ناممکن میرسد. هدف ما در این وهله نزدیک تر کردن دو حزب و به تبع آن کلیه عناصر جنبش کمونیسم کارگری است. زدودن جو نفرتی که میان این دو حزب وجود دارد، که اکنون شاهدیم فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری نیز مورد الطفاطات این کینه توزی رهبری حزب کمونیست کارگری قرار گرفته است. این عین فرقه گرایی است. تلاش برای بازسازی دیوارهای اعتمادی است، که فرو ریختن شان درون حزب کمونیست کارگری علت اصلی انشعاب بود. ما باید بتوانیم در رابطه با جنبش های مختلف اجتماعی با هم همکاری نزدیک داشته باشیم. چرا فرضا نباید در جنبش آزادی زن، خلاصی

که از پس از مرگ منصور حکمت اشتباهات بسیاری مرتکب شده ایم. باید تلاش کنیم این اشتباهات را مرتفع کنیم. این آنگونه که رهبری حزب کمونیست کارگری مینامد "ندامت" نیست. حتی این الفاظ نیز فرقه ای هستند. "رهبران نادم" هم فرقه ای و هم مذهبی است. اما متأسفانه رهبری حزب تلاش ما برای اتحاد کمونیسم کارگری را با این الفاظ توصیف میکند. کم مانده است که ما را "تواب" و "خیانتکار" بخوانند. امیدوارم به اینجا سقوط نکنیم. من دوست دارم از رهبری هر دو حزب بپرسم که مخالفت شان با این پروژه چیست؟ این تویی است که در زمین هر دو حزب قرار گرفته است. امیدوارم هوشیارانه و بدون ملاحظات سکتاریستی و فرقه گرایی به آن پاسخ گویند.

یک دنیای بهتر: موانع این هدف کم نیستند، خود فراکسیون در موقعیت ویژه ای قرار گرفته و ادامه کاری در حزب در شکل کنونی عملاً غیر ممکن شده است. فراکسیون چه پاسخی به این معضلات میدهد و چشم انداز این پروژه را چگونه میبیند؟

علی جوادی: ما چه در ظرفیت فراکسیون و چه در ظرفیت فعالین جنبش کمونیسم کارگری این پروژه را به پیش خواهیم برد. فائق آمدن بر این ضعفها یک محور تلاش ما در دور اخیر فعالیت کمونیستی مان است. همانطور که در بیانیه ذکر شده است: "ما تلاش جدی ای را در این زمینه آغاز خواهیم کرد و تا زمانی که امکان ناپذیری این پروژه در عمل بطور غیر قابل انکار مسجل نشود، این هدف را دنبال خواهیم کرد. حتی اگر به هدف نهایی هم نائل نشویم، میکوشیم تا به بیشترین دستاورد ممکن در جهت انسجام بیشتر کمونیسم کارگری نائل آئیم."

اما معضلات راه متعدّدند.

معمولاً این بحث ما را به یک بعد آن یعنی "اتحاد سازمانی" احزاب موجود در این جنبش تقلیل میدهند. دستیابی به انسجام سازمانی و شکل دادن به حزب واحد کمونیسم کارگری یک رکن پایه ای فعالیت ماست، اما تمام آن نیست. جنبه ای از کار است که شاید دستیابی به آن شاید مشکل ترین و پیچیده ترین جزء پروژه ای است که ما در برابر خود قرار داده ایم. معمولاً با اشاره به این پیچیدگیها میکوشند که کل پروژه را غیر ممکن و دست نیافتنی اعلام کنند.

بهر حال اگر چه معضلات راه غیر قابل انکار و بسیاری واقعیات بسیاری نیز زمینه های تحقق این پروژه را فراهم میکنند. یک فاکتور مهم روند و زمینه های پیشروی این جنبش است. جامعه در حال تلاطم است. وضعیت موجود ناپایدار و شکننده است. روی آوری به صفوف کمونیسم کارگری گسترده و قابل ملاحظه است. این "نیروهای جوان" کوله بار سنتها و یا بهتر بگویم برخی "ضعفهای" این جنبش را بر دوش خود ندارد. گذشته بر حرکت امروزشان سنگینی نمیکند. این "نیروی فشار" وزنه ای برای حل این معضلات است. گرایشی است در این جنبش که از معضلات "فرار" نمیکند. این نیروی جوان کمونیسم کارگری میتواند نقش موثری در غلبه بر معضلات ایفا کند.

فاکتور دیگر حضور قدرتمند کمونیسم منصور حکمت و پرچم منصور حکمت در جامعه است. کمونیسم کارگری در جامعه اساساً خود را با کمونیسم منصور حکمت بیان میکند. در دست گرفتن همه جانبه پرچم منصور حکمت و خط مشی سیاسی و تاکیدات این خط است.

من کلاً به پیشروی این پروژه امیدوارم. هر درجه پیشروی کمونیسم کارگری در تحولات جامعه این معضلات و پاسخگویی به آنها را با شدت بیشتری در مقابل ما

اتحاد کمونیسم کارگری؛ پاسخ به دو سوال...

قرار میدهد. ما معضل را می‌شناسیم و برای حل آن نیز سر نخهایی در دست داریم. اما گام اول در چنین راهی تلاش برای جا انداختن خود صورت مساله است. تصویر بخشهای مختلف این جنبش از معضلات پیشروی ما یکسان و همگون نیست. ما تازه در آغاز راهیم. باید گامهای بزرگ و خارج از قالبهای کنونی برداریم.

سیاوش دانشور: ما توهمی نداریم. ما نه قرار است جنبش ملامت راه بیندازیم و نه قرار است نقدهای سیاسی به برخی مواضع اشتباه و راست را در هر دو سو پس بگیریم. تحلیل ما از هر دو سو هرچه باشد، همین امروز پراتیک این دو حزب نشان میدهد که واقعیت چیست. ارزیابی از خود هرچه باشد، موقعیت واقعی و توان دخالتهای و جابجا کردن نیرو و در مقام رهبری قرار گرفتن جامعه برای یک ناظر خارجی هم قابل تشخیص است. مسئله تماما اینست که عرق سازمانی و سیاست تکفیر این و آن و ظرفیتهای خطوط حاکم موجود نمیتواند راه پیشروی کل جنبش کمونیستی کارگری را هموار کند. این باید روشن باشد که امروز این دو حزب از جریانات مهم چپ در ایرانند و در هر تحول سیاسی نیرو جذب میکنند. نه فقط این دو حزب بلکه هر جریان کوچک چپ هم که بدرجائی تمایلات انسانی و طبقاتی را بازتاب میدهد جذب نیرو میکند. مسئله این نیست، موضوع بستر اصلی شدن کمونیسم و تبدیل به اتوریته فکری و نظری و سازمان دربرگیرنده رهبران کارگری سوسیالیست و کمونیست و رهبران رادیکال جنبشهای اجتماعی موجود است. ما قرار نیست دوم و سوم و چهارم بشویم. یا باید پیروز شویم و تمام پیروزی را بدست بیاوریم و دستکم در آستانه تعیین تکلیف قدرت سیاسی یک نیروی عظیم سیاسی و اجتماعی غیر قابل حذف باشیم و یا امر پیروزی کمونیسم برای یک دوره قابل پیش بینی و

طولانی دیگر به محاق خواهد رفت. منافع گسترده تری موتور محرکه حرکت ماست.

متاسفانه سرنوشت فراکسیون در حزب کمونیست کارگری و سرنوشت فراکسیون در حزب کمونیست کارگری- حکمتیست کم و بیش یکی است. توجیهات و تفاوتها هرچه باشند، واقعیت امروز اینست. به همین دلیل فراکسیون تاکنون روی لبه تیغ راه رفته است و با اعمال محدودیتهای فوق برنامه و غیر قانونی بودن و سیاست بایکوت و ایزوله کردن و تبلیغات غیر رفیقانه، امروز موقعیتی را دارد که ادامه آن در صورت فعلی چشم اندازی ندارد. آخرین تلاش ما با دیوار سخت خط مشی چپ رادیکال برخورد کرد و نشان داد که در به همان پاشنه سابق میچرخد. باید تصریح کنم که پروژه ما در باره اتحاد کمونیسم کارگری کل هویت ما نیست، بلکه یک تمایز ماست. هویت ما همانست که همیشه بوده و هدف ما هم همان. ما بعنوان مارکسیست و کمونیست امر فوریمان سرنوشتی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است. امر ما متحد کردن و متشکل کردن جنبشمان در اشکال و سطوح مختلف و بمیدان کشیدن آن در مصاف قدرت سیاسی است. امر ما پیروزی کمونیسم در ایران است. امر ما پاسخ دادن به دیدگاههای غیر کارگری و غیر کمونیستی و مواعی است که سیر پیشروی و حرکت کمونیسم کارگری را کند میکند. در عین حال ما پروژه معینی داریم که محصول یک بازبینی انتقادی است. تلاشمان این است که به وضعیت موجود و قطعی شدن و هرز نیروی بیمورد پایان دهیم و راه بحث و مجادله آزاد و علنی و کمونیستی را هموار کنیم. این پروژه برای ما حیاتی است و در اشکال مختلف و در کنار فعالیت کمونیستی مان آنرا دنبال خواهیم کرد. در مورد موقعیت فراکسیون و بن بست فعلی فقط اینرا میتوانم بگویم که زمانی با سرنوشت

سیاسی افراد و کمونیستها اینگونه بازی میشود و هر روز در خروجی را نشانمان میدهند و عملا هر نوع راه برون رفت منصفانه و کمونیستی را میندند، من کسی نیستم که امر کمونیستی ام را زمین بگذارم. من و من نوعی ناچار است راهش را ادامه دهد. تنها مسئله مهم در این میان اینبود که سیاست و اختلاف سیاسی فردی و شخصی نشود، حرمت دیگران زیر سوال نرود، به کل این جنبش ضربه وارد نشود، انسانیت و انصاف و رفاقت دیرینه لطمه نخورد، و وارد هر جدل سبک و غیر سیاسی نشویم. من و رفقای فراکسیون ماکزیم تلاشمان را کردیم که این اتفاق نیافتد و از جانب ما نیافتاد. این از سعه صدر ما و یا ناتوانی در پاسخ به تحریفات و تبلیغات غیر رفیقانه نبود، بلکه از نقدی بود که به این سنت سیاسی داریم و تداومش را به نفع هیچ کس نمیدانیم. ما ناچاریم امرمان را پیش ببریم و در مقابل تبلیغات چپ رادیکال و از خود متشکری غریضی اش روی زمین سفت خشت روی خشت بگذاریم. من برای همه این رفقای عزیز، علیرغم رفتار سیاسی که با ما کردند، آرزوی سربلندی و سلامت و موفقیت میکنم. برای کنگره شش حزب بهترین آرزوها و تصویب کمونیستی ترین سیاستها را دارم. هر پیشروی و دستاورد در کل این جنبش و بخشهای متحزب آن را پیشروی و دستاورد خود میدانم و از آن در مقابل راست و ارتجاع دفاع میکنم. جنبش کمونیستی و تحزب کمونیستی سرپناه سیاسی نیست، سازمان و ظرف مبارزه مارکسیستی و کمونیستی است. اگر رفقای عزیز ما نمیپذیرند که مخالفت با خط رهبری و حاکم را بطرق اصولی و با اتکا به بدیهی ترین سنتهای این جنبش بپذیرند، و به هر موضوع سیاسی یک پاسخ سر راست تشکیلاتی و اداری میدهند، ما دیگر کاری از دستمان ساخته نیست. دو راه بیشتر پیش رو نداریم؛ یا باید تسلیم شویم و عقایدمان را زیر فرش کنیم و یا باید راهمان را ادامه بدهیم. برای من روشن

است که دومی تنها راه موجود است.

آذر ماجدی: کاملا موافقم. موانع بسیار اند. بی اعتمادی یکی از مهمترین موانع است. بعلاوه خطوط حاکم بر هر دو حزب آغشته به چپ سنتی و گرایشات فرقه ای است. مساله جنگ قدرت نیز متاسفانه در این میان نقش بازی میکند. میخواهم بگویم که درست است این موانع در بستر یک گرایش معین سیاسی و اجتماعی قابل توضیح است. اما به زبان خرد روزمره با مسائل شخصی و شخصیتی نیز آغشته شده است. به این معنا ما با یک مبارزه بسیار دشوار روبروئیم.

متاسفانه رهبری حاکم فضایی را بر حزب حاکم کرده است که امکان فعالیت باز را برای فراکسیون غیرممکن کرده است. ما مداوما با حملات تند و شخصی و ترورهای شخصیتی از جانب رفقای حزبی مان مواجه ایم. تمام این فرقه گرایی تحت عنوان "کادرها از حزب شان دفاع میکنند!" توجیه میشود. هر حرکت ما برای بیان نقدهایمان با عنوان "ضد حزبی، مک کارتیسم، جنگ سردی، انحلال طلبی" مارک میخورد. این فضای ناسالم روز به روز وسعت بیشتری می یابد. بطور مثال من امروز از یکی از کادرهای حزب نامه ای دریافت کردم که از من میخواست "بعنوان همسر منصور حکمت و مادر فرزندان او" از این "بازی ها" دست بردارم. وقتی این ایمیل را خواندم، واقعا احساس بیگانگی کردم. این فرد کادر حزب و عضو یکی از کمیته های تشکیلاتی حزب است. عقب گرد دارد به تمام عرصه های مختلفی که فکر میکردیم در حزب ما به یک سنت پایدار بدل شده است، کشیده میشود. احساس میکردم یک حاجی بازاری یا آخوند دارد مرا نصیحت میکند. حمید تقوایی میگوید نقد به حزب از موضع چپ امکان ندارد! این در زمان حیات منصور حکمت صحت داشت. اما متاسفانه باید بگویم که اکنون چنین معیاری در

اتحاد کمونیسم کارگری؛ پاسخ به دو سوال...

مورد حزب صدق نمیکند.

ادامه این وضعیت به زیان کمونیسم کارگری است. این فضا البته کاملاً درون حزبی است. در بیرون حزب این حرکات با بی اعتمادی، و انزجار روبرو میشود. و ادامه این وضعیت به زیان اتحاد کمونیسم کارگری است. در درون حزب نیز بخشی از کادرها هستند که بشدت از این شیوه برخورد رهبری حزب ناراحت و ناراضی اند. حزب کمونیست کارگری را دوست دارند و نمیخواهند ضربه بخورد. از انشعاب هراس دارند ولی این روش و رفتار رهبری را نیز به هیچوجه قبول ندارند. جدل آنلاین از جانب بخشی از کادرهای حزب مورد اعتراض است. سکوت این رفقا را نباید بعنوان همراهی با این روش ها، بلکه اتفاقاً باید بعنوان اعتراض خاموش آنها دید.

اولین تصمیمی که گرفته ایم اینست که در کنگره شرکت نکنیم. ما بر این تصمیم بودیم که به کنگره برویم و یکبار دیگر تلاش کنیم با استفاده از این تریبون با حزب مان صحبت کنیم. من شخصاً یکی از مبلغین این سیاست بودم. اما اکنون به اینجا رسیده ایم که فضای ایجاد شده آلوده تر از آن است. مضرات این حرکت ما برای اتحاد کمونیسم کارگری بیشتر از منافع آنست. به

این دلیل در کمال تأسف تصمیم گرفتیم که در این کنگره شرکت نکنیم. هیچگاه فکر نمیکردم که در چنین موقعیتی قرار گیرم. ما در حال بازبینی شرایط فعالیت خود هستیم. باید موازین و شرایط فعالیت در این شرایط جدید را باز تعریف کرد. همانگونه که اشاره کردم تحقق این پروژه امری بسیار دشوار است. من همواره این خصلت پایه ای مارکسیسم، لنینیسم و حکمتیسم را در ذهن خود دارم: نقش اراده و پراتیک انسان انقلابی. اگر قرار بود مارکسیست ها صرفاً به ممکنات عیان توجه کنند، تحول انقلابی جامعه امری محال مینمود. ما با ارزیابی و تحلیل شرایط کمونیسم کارگری به این نتیجه رسیده ایم که یکی از ملزومات تعیین کننده پیروزی کمونیسم کارگری تحقق اتحاد کمونیسم کارگری است. لذا این هدف و پروژه را در مقابل خود گذارده ایم و برای آن مبارزه خواهیم کرد. تابو ها را خواهیم شکست. بر فضای "نجس سازی" فائق خواهیم آمد. به صحبت های نازلی که از جانب برخی رفقایمان مطرح میشود توجه ای نخواهیم کرد. و در راه این هدف مصرانه و قاطعانه خواهیم کوشید. در اینجا کلیه عناصر و جریانات کمونیسم کارگری را دعوت میکنم که در این مسیر و برای احقاق این هدف بما ملحق شوند. زنده باد کمونیسم کارگری.

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

از

“یک دنیای بهتر”

برنامه حزب کمونیست کارگری



<http://www.for-abetterworld.com>

<http://for-abetterworld.blogfa.com>



بیانیه حقوق مهاجرین

میشود.

۲- ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور جواز ورود، اقامت، اجازه کار و کارت های بیمه و غیره برای همه متقاضیان اقامت در ایران.

۳- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، حزب و تشکل کلیه افراد مستقل از تابعیت و یا زمان اقامت در ایران. آزادی بی قید و شرط انتقاد و نقد. ممنوعیت هر گونه تحریک و تهدید علیه مهاجرین و یا افراد دارای تابعیت کشورهای دیگر.

۴- تمامی ساکنین جامعه بالاتر از شانزده سال مستقل از تابعیت از حق رای همگانی و دخالت در کلیه شئون زندگی و حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه برخوردارند و میتوانند برای هر نهاد و ارگان و یا احراز هر پستی و مقامی کاندید شوند.

۵- برخورداری کلیه ساکنین کشور مستقل از تابعیت از حق معاش و ضروریات یک زندگی متعارف، حق فراغت، تفریح و آسایش، حق آموزش و استفاده از کلیه امکانات آموزشی جامعه، حق سلامتی و برخورداری از کلیه امکانات بهداشتی و درمانی موجود.

۶- شمول کلیه قوانین کار و رفاه اجتماعی نظیر کلیه حقوق و

ما برای استقرار یک نظام آزاد، برابر، مرفه، سکولار و پیشرو، برای یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکنیم. برابری کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، مستقل از تابعیت، محل تولد و یا مدت اقامت در ایران در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی، یکی از ارکان پایه ای جمهوری سوسیالیستی است. ما به صف مقدم مبارزه علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق داریم و معتقدیم که برابری حقوقی و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود. ما در عین حال علیه هر گونه درجه بندی رسمی و تلویحی شان و شخصیت افراد بر حسب محل تولد و یا تابعیت، قاطعانه مبارزه میکنیم.

ما برای تحقق و تضمین وسیعترین آزادیها و حقوقهای فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی برای کلیه ساکنین ایران مستقل از تابعیت مبارزه میکنیم. اهم این حقوق و آزادیهای عبارتند از:

۱- کلیه ساکنین ایران مستقل از تابعیت و محل تولد، بدون هیچگونه تبعیضی، از حقوق و وظایف شهروندی برابر در تمامی عرصه های فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی برخوردار خواهند بود. هر فرد ساکن ایران عضو برابر و متساوی الحقوق جامعه است. تمامی قوانین جامعه بدون استثناء مستقل از تابعیت و یا زمان اقامت شامل حال تمامی ساکنین در ایران

۱۰- حذف هر نوع ارجاع به تابعیت افراد از اوراق هویتی، اسناد دولتی و فعل و انفعالات اداری و یا اعلام آن در رسانه ها.

ما اعلام میکنیم که تحقق حقوق و آزادیهای فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی تمامی شهروندان ساکن ایران در گرو بزیر کشیدن و سرنگونی رژیم ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی و همچنین مبارزه ای همه جانبه علیه ناسیونالیسم، قوم پرستی و نژادپرستی است. جمهوری سوسیالیستی موازین مندرج در این بیانیه را بعنوان حقوق انکار ناپذیر تمامی ساکنین ایران مستقل از تابعیت تضمین خواهد کرد.

فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

فوریه ۲۰۰۷

ما برای استقرار یک نظام آزاد، برابر، مرفه، سکولار و پیشرو، برای یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکنیم. برابری کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، مستقل از تابعیت، محل تولد و یا مدت اقامت در ایران در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی، یکی از ارکان پایه ای جمهوری سوسیالیستی است.

ما به صف مقدم مبارزه علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق داریم و معتقدیم که برابری حقوقی و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

وظایف شهروندان کشور بدون هیچ تبعیضی بر کلیه کارگران و خارجیان مقیم کشور، برابری کامل حقوقی همه کارگران، مستقل از تابعیت و محل تولد.

۷- حق هر زوج بالای ۱۶ سال، مستقل از تابعیت، به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. شمول برابر کلیه قوانین مربوطه به خانواده. برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد مستقل از تابعیت در امور مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی. برابری حقوق طرفین در هنگام جدایی نسبت به دارایی ها و امکاناتی که در طول زندگی مشترک عاید خانواده شده و یا در طول زندگی مشترک مورد استفاده کل خانواده بوده است.

رابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد در امور مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی، مستقل از تابعیت. مبارزه میکند.

۸- تمام ساکنین ایران مستقل از تابعیت در انتخاب محل زندگی، سکونت و شغل خود آزادند. هرگونه جداسازی و ایجاد محدودیت بر اتباع خارجی در انتخاب محل زندگی، سفر، نقل مکان و انتخاب شغل، ممنوع است.

۹- برخورداری کلیه کودکان از یک زندگی شاد، ایمن و خلاق، مستقل از تابعیت. تضمین استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان، در بالاترین سطح ممکن.

بیانیه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری؛

بسوی اتحاد صفوف جنبش کمونیسم کارگری!

هم با مسائل مختلف اجتماعی مواجه میشوند. انسجام و قدرت سازماندهی کلی جنبش ما ضعیف است. پراکندگی و دو باره کاری توان عملی و سازمانگرایانه جنبش ما را پایین آورده است. علیرغم نزدیکی و هم سرنوشتی عمومی احزاب کمونیستی کارگری موجود چه در جامعه ایران و چه در عراق، علیرغم تعلق مشترک به برنامه و افق "یک دنیای بهتر"، اساساً این احزاب در رقابت و کشمکش با یکدیگر قرار دارند که بسیار فراتر از حد فاصل سیاسی میان این جریانات است. در حالیکه نیروهای جنبش ما نیازمند گسترده ترین نزدیکی ها هستند، بخش سازمانی و تحزب یافته جنبش ما به این نیاز حیاتی بی تفاوت است.

مساله گرهي ديگر مساله توان سازماندهی و هدایت و تأثیر گذاری کل جنبش ما در تحولات روزمره جامعه است. در حالیکه جامعه علیرغم قداره بندی رژیم اوباش اسلامی هر روزه شاهد اعتراض و مبارزه ای جدی ای در سطح سراسری و محلی است ما هنوز در مقام و موقعیت سازمانده و رهبر جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم و سایر اعتراضات اجتماعی قرار نگرفته ایم. کمونیسم کارگری نماینده بر حق کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی است اما علیرغم پیشروی هایمان هنوز سازمانده اصلی و رهبر این اعتراضات نشده ایم. در حالیکه کمونیسم کارگری پرچمدار آزادیخواهی، مساوات طلبی، آزاد اندیشی، عدالت اقتصادی و اجتماعی، خرافه ستیزی و ضدیت با اسلام، و آزادی و خلاصی زن در جامعه است، در شرایطی که جنبش ما بیان آرزوهای دیرینه و تاریخی مردم است، ما هنوز نتوانسته ایم به رهبر جامعه و نیروی

بخوریم، آینده تکرار همان گذشته نکبت بار سلطنتی و اسلامی در قالب و ترکیب جدید خواهد بود. شکست و پیروزی هر دو ممکن اند.

اکنون یک فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر و کمونیسم در ایران به یک قرن سلطه احزاب رنگارنگ طبقات حاکم به زندگی مردم و مقدرات جامعه پایان بدهد. این فرصت فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کند و در جلوی چشم تمام جهان قرار بدهد. این فرصت را علیرغم مشکلات نباید از دست داد. برای ایفای این نقش تاریخی، برای سازماندهی و رهبری یک انقلاب کارگری علیه جمهوری اسلامی و سرمایه، برای تصرف قدرت سیاسی و استقرار فوری و تمام عیار یک نظام سوسیالیستی در پس تمامی پروسه محتمل سیاسی، باید موانع عدیده را از میان برداشت.

یکی از موانع حیاتی جنبش ما تفرقه و پراکندگی و رقابت سازمانی کنونی آن است. جنبش کمونیسم کارگری نیازمند سازمان واحد و یکپارچه و منسجم است. اما این جنبش امروز به لحاظ سازمانی پراکنده و نا منسجم است. انشقاق در صفوف حزب کمونیست کارگری تأثیرات مخربی بر موقعیت و توان سیاسی و سازمانی کل جنبش کمونیسم کارگری بجا گذاشته است. اما صورت مساله و معضلات مقابل جنبش ما بسیار فراتر از انسجام و یکپارچگی حزبی بخش علنی کمونیسم کارگری است. کل جنبش کمونیسم کارگری باید بتواند منسجم تر شود. در حال حاضر نیروهای گسترده و متعدد جنبش ما بعضاً پراکنده و بدون ارتباط با

میگیرد. کشمکش طبقات و جنبشهای اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند از مدتهاست که در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جدال هم اپوزیسیون بورژوازی و هم جنبش کمونیسم کارگری شانس عینی پیروزی دارند.

اما کمونیسم کارگری تنها قطب سیاسی مبشر یک جامعه آزاد، برابر و مرفه در ایران است. امروز کمونیسم کارگری بعنوان یک جنبش اجتماعی، فکری، سیاسی و حزبی در طول دو دهه اخیر، برای نخستین بار توانسته است امکان واقعی حضور مستقل طبقه کارگر را بعنوان یک نیروی سوسیالیست در برابر کل احزاب و جنبشهای بورژوازی فراهم کرده و سوسیالیسم را بعنوان یک آلترناتیو واقعی در برابر جامعه قرار دهد.

کمونیسم کارگری یک جنبش عظیم و گسترده است. دامنه این جنبش و نفوذ اجتماعی بالقوه آن بسیار گسترده تر و فراتر از احزاب کمونیستی کارگری موجود است. جنبش کمونیسم کارگری نه فقط میتواند پرچمدار و سازمانده طبقه کارگر در تحولات جاری و آتی ایران باشد، بلکه در این موقعیت هست که مردم را در یک انقلاب توده ای برای آزادی و برابری و رفاه در ایران رهبری کند و به پیروزی برساند. اگر ما پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه جامعه شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. اگر شکست

جامعه ایران در آستانه تحولات تاریخی سازی قرار گرفته است. دوران پر تلاطم سیاسی مدتی است که آغاز شده است. دوره بیخاستن توده های عظیم مردم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش، دوره مصافهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت. حکومت اسلامی و نظام سیاسی در ایران، بعنوان یک نظام حافظ نکبت سرمایه داری و رژیم سیاسی استبدادی، مرتجع و ضد انسانی مورد تعرض توده وسیع مردم است. این حکومت که بزور سرنیزه و کشتار تا اینجا دوام آورده است، اکنون رو در روی نسلی از مردم است که در یک مقیاس دهها میلیونی آزادی و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند. حکومت اسلام و سرنیزه و سیاست سرکوب و ارباب پاسخگوی این نسل معترض نیست، نقطه سازش و تمکینی هم وجود ندارد. مردم حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و مدتی است که دست بکار بزیر کشیدن آن هستند. روند سرنگونی و جایگزینی رژیم اسلامی میتواند مراحل گوناگون و اشکال مختلفی بخود بگیرد. جمهوری اسلامی راه خلاصی ندارد. رفتنی است!

جنبش ما برای سرنگونی رژیم اسلامی و یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی تلاش میکند. ممکن است در این مسیر با ایستگاههای مختلفی مواجه شویم اما مطلوب ترین حالت برای ما سرنگونی رژیم اسلامی از طریق یک انقلاب کارگری است.

تحولات امروز ایران فقط بر سر بود و نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. انتخابی بزرگ دارد صورت

بسوی اتحاد صفوف جنبش کمونیسم کارگری!

اول اپوزیسیون در سرنگونی رژیم اسلامی تبدیل شویم. فاصله میان محبوبیت و مقبولیت اجتماعی جنبش ما و توان سازمانی جنبش مان کماکان بسیار است.

جنبش ما باید بر این معضلات با قدرت و به سرعت فائق آید. زمان بی انتهایی در اختیار نداریم. مساله انسجام و یکپارچگی سازمانی جنبش ما و همچنین قدرت سازمانگری و هدایت اعتراضات جامعه و همچنین پر کردن فاصله نفوذ اجتماعی و قدرت سازمانی جنبش ما از مسائل حاد و گرهی پیشرو می باشد. اما چگونه؟

راه پیشروی ساده و هموار نیست. شرایط سخت و دشوار و موانع بسیارند. مناسبات احزاب اصلی این جنبش، حزب کمونیست کارگری و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، بسیار دور تر از حد مطلوب نیروهایی است که علیرغم اختلاف و تعابیر سیاسی، نیروهایی در یک جنبش اجتماعی هستند. بعلاوه جنبش ما در حال حاضر فاقد یک مرجعیت فکری و سیاسی و یک خط سیاسی پذیرفته شده واحد است. پس از مرگ نابهنگام منصور حکمت ما شاهد تشتت و پراکندگی

بیشتر در صفوف جنبش کمونیسم کارگری هستیم. مجادلات و قطب بندیهای اغراق شده یک بیماری جنبش ماست. نوسانات و تعابیر گوناگون سیاسی که در شرایط وجود یک مرجعیت فکری و سیاسی و حزبی و پذیرفته شده میتوانست تابع خط رسمی باشد، اکنون به جدایی ها و تقابل این گرایشات و تعابیر سیاسی آنتاگونیزه منجر شده است. اما علیرغم این شرایط و جدایی ها پایه اجتماعی این جنبش، محافل متعدد کارگری و کمونیستی و فعال در جامعه بیش از هر زمان بر این ضرورت تاکید دارند و ماتیال مادی و یک نیروی فعال تغییر این وضعیت هستند.

ما قصد کمرنگ کردن اختلافات سیاسی و گرایشات متفاوت موجود و یا انکار سیاست های سکتاریستی که مصالح حزب و سازمان را در فرای مصالح عمومی جنبش کمونیسم کارگری قرار میدهد، نداریم. بر مشکلات و موانع راه واقفیم. مقاومت گرایشات موجود در جنبش مان در برابر چنین طرح و نقشه عملی را میشناسیم. بر محدودیتهای همچنین ویژگی ها و تواناییهای هر بخشی نیز واقفیم. قصد براه انداختن جنبش ملامت یا خود زنی هم نداریم. ما مصمم ایم که از این موانع عبور کنیم. مسلما دستیابی

به سازمان واحد جنبش کمونیسم کارگری راهی پر پیچ و خم است. اما آیا نمیتوان بر پراکندگی نیروهایمان در عرصه های مختلف غلبه کنیم؟ آیا نمیتوان در ۱۶ آذرها، در ۸ مارسها، در اول ماه مه ها، در روز کودک، در جشن های آدم برفیها، در کمپین های اعتراضی برای افزایش دستمزد، پرداخت حقوق معوقه و بیمه بیکاری مکفی، در کمپین برای آزادی زندانیان سیاسی، در مبارزه برای آزادی و رهایی زن، علیه حجاب، علیه اسلام، برای آزادی و برابری مشترکا و در صف واحدی مبارزه کرد؟ واقعیت این است که بسیاری از نیروهای جنبش ما در داخل کشور چنین سیاستی را دنبال میکنند. همگانی کردن این سیاستها میتواند آغاز مناسبی باشد!

باید از دوران انشقاق در صفوف کمونیسم کارگری عبور کرد. باید بر ضعف توان سازمانی جنبش کمونیسم کارگری غلبه کرد. باید فاصله محبوبیت سیاسی و اجتماعی جنبش و قدرت سازمانی آن را پر کرد. پیشروی کمونیسم کارگری تنها میتواند با پرچم کمونیسم منصور حکمت متحقق شود. نقطه عزیمت و تاکید ما

مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ حزب کمونیست کارگری است. ما تمامی نیروهای کمونیسم کارگری را دعوت به تلاش برای فائق آمدن بر این شرایط میکنیم. ما طرحها و برنامه های مشخص خود در زمینه اتحاد صفوف کمونیسم کارگری را بزودی ارائه خواهیم کرد.

ما تلاش جدی ای را در این زمینه آغاز خواهیم کرد و تا زمانیکه امکان ناپذیری این پروژه در عمل بطور غیر قابل انکار مسجل نشود، این هدف را دنبال خواهیم کرد. حتی اگر به هدف نهایی هم نائل نشویم میکوشیم تا به بیشترین دستاورد ممکن در جهت انسجام بیشتر کمونیسم کارگری نائل آئیم.

فراخوان ما به کل نیروهای جنبش کمونیسم کارگری اینست که روی این مسئله حیاتی تعمق کنند، در این بحث شرکت کنند، و همراه ما برای اتحاد صفوف جنبش کمونیسم کارگری تلاش کنند!

زنده باد

اتحاد صفوف کمونیسم کارگری !

زنده باد منصور حکمت !

فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ آوریل ۲۰۰۷

کارگران باید اعلام کنند که این دستمزد شندرغاز را قبول نمیکند و نمیتوانند با آن زندگی کنند. هر کسی که در مریخ زندگی نمیکند و تازه آمار دستکاری شده و نادرست بانک مرکزی را هم بعنوان خط فقر مبنا قرار دهد، میبیند این سطح دستمزد زیر خط فقر رسمی و تقریبا نصف آنست. خانواده کارگری چطور باید زندگی کند؟ آیا وکلای مجلس و بچه حاجی ها حاضرند با این دستمزد یک هفته زندگی کنند؟ وانگهی چرا باید دستمزد کارگران مینایش تامین یک زندگی مرفه و مقدور نباشد؟ چرا باید همیشه طبقه کارگر و دهها میلیون مردم محکوم به زندگی زیر خط فقر باشند؟ کارگران الکتریک در کرمانشاه مبلغ ۶۰۰۰۰۰ تومان را بعنوان حداقل دستمزد اعلام کردند و باتدویر آن را جهت اطلاع عموم در خیابانها قرار دادند. سال گذشته بخشهای مختلفی از کارگران رقم ۵۰۰۰۰۰ تومان را خواستند. رقم اخیر مبنایی برای حداقل دستمزد است که کارگران خودشان اعلام کردند و تازه با میزان درآمد های دولتی و غیره هنوز اختلاف نجومی دارد. همین رقم را باید کارگران در اعتراضات مختلف اعلام کنند و مصوبه وزارت کار را برسمیت نشناسند.

اگر کارگران اراده کنند و نیرویشان را مانند معلمان بمیدان بیاورند، جمهوری اسلامی راهی جز عقب نشینی ندارد. فعالین و رهبران کارگری باید جلو بیافتند و ضرورت واکنش فوری کارگران در صنایع مختلف را به این تصمیم مرتجعین وزارت کار و سرمایه داران و دولتشان تاکید کنند و نیروی کارگران را بمیدان بکشند. موقعیت امروز و اعتراضات گسترده جامعه این امکان و فرجه را به اعتراضات گسترده کارگری میدهد. این تلاشی برحق و مورد حمایت اکثریت جامعه و جنبشهای عدالتخواهانه است. پرچم حداقل دستمزد ۶۰۰۰۰۰ هزار تومان را برای شاغل و بیکار بازنشسته و مستخدمین دولتی بعنوان مینیمم بلند کنید و مصوبه ارتجاعی و ضد کارگری وزارت کار را توی صورتشان بکوبید!

توحش اسلامی در دامن نظم نوین جهانی در

مراسم سنگسار دعا ۱۷ ساله سنگ تمام گذاشت!

شهلا نوری



همان بربریت قرون وسطایی است که تحت نام حفظ "شرف" و "ناموس" بهانه چنین جنایت فجیعی است. اما آن مردان و زنانی که مهر سکوت بر دهان زدند و چشم بر بربریت عریانی که ذره جان "دعا" را با سنگ و مشت و لگد میگرفت بسته بودند، تنها تصویر جامعه در کردستان عراق را نمایشاند. در همین شرایط انسانیهای شریف بسیاری وجود دارند، جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی وجود دارد، انسانیت وجود دارد. در این روی دیگر تصویر شخصی پیدا شد که با ثبت سند این جنایت، کیفرخواست "دعا" را به گوش مردم آزادیخواه جهان برساند. دعا سمبلی شد تا صدای آزادیخواهی زنان در عراق و انزجار از اسلام و قومپرستی با تمام کراهتش رویت شود.



ما باید انعکاس این صدا را هزاران برابر کنیم. باید بتوانیم زندان کتیف اسلام و آپارتاید جنسی و زن ستیزی را در کشورهای اسلامزده بشکنیم. ما میتوانیم در مقابل چنین جنایتی (چه دولتی چه غیر دولتی)، با بلند کردن پرچم نه به هر دو قطب تروریستی در منطقه بایستیم. ما باید دست تروریستها و آدمکشها و احکام اسلامی را از زندگی مردم کوتاه کنیم. آمران و عاملان چنین جنایات هولناکی باید در دادگاه های مردمی محاکمه شوند.

سایت و وبلاگ فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

www.for-abetterworld.com

http://for-abetterworld.blogfa.com

به این سایت مراجعه کنید
www.WantedByPeople.com
و دادنامه خود علیه رژیم اسلامی را تنظیم کنید

کمپینی برای جمع آوری ده هزار دادنامه!

سران و کاریدستان جمهوری اسلامی باید به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای منتخب و عادلانه مردم محاکمه شوند! پرونده های قریب سه دهه جنایت و کشتار مردم بیگناه باید ورق بخورد!

جمهوری سوسیالیستی مجازات اعدام را لغو میکند! ما انتقامجو نیستیم، فلسفه ارتجاعی "چشم در مقابل چشم" نداریم، اما حقایق باید روشن شود!

اهداف مرکز پیگرد سران رژیم:

- ۱- جمع آوری مدارک و اطلاعات لازم از شاکیان و قربانیان رژیم
- ۲- تدوین لیست سران و مسئولین رژیم که باید تحت پیگرد قرار گیرند،
- ۳- تنظیم کیفر خواست شاکیان علیه سران رژیم،
- ۴- ارائه مدارک حقوقی به دادگاهها و برپایی یک تریبونال بین المللی از سایت مرکز پیگرد دیدن کنید:

www.wantedbypeople.com

افراد خانواده میگذارند. این مجموعه ای یکپارچه است. بخشهای مختلف یک دستگاه وسیع و گسترده جنایت است.

با این وجود روز ۷ آوریل ۲۰۰۷ در تاریخ ثبت شد. روزی که دختر جوان ۱۷ ساله ای در کشور جنگزده عراق به دست نزدیکترین افراد خانواده خود و با یاری غیر مستقیم مجریان دولت قوم پرست کردستان عراق سنگسار شد. اما این بار نتوانستند این جنایت را پنهان کنند. عصر اینترنت و تلفنهای دوربین دار است. دیری نپایید که مردم جهان فیلم کوتاه این فاجعه را با قلبی آکنده از درد و انزجار مشاهده کردند و از هر گوشه ای در موردش نوشتند. صحنه های دردناکی که تکه تکه شدن بدن نیمه لخت نوجوان ۱۷ ساله را به نمایش در می آورد و با سرعت از جلوی چشمان متحیر انسان می گذشت، بسادگی قابل توصیف نیست. شاید لازم نباشد این صحنه ها را با چشم خود دید تا به بربریت اسلامی و ضدیت با زن پی برد. دعا تنها قربانی خانواده عقب مانده اش نبود، دعا قربانی میلیتاریسم آمریکا و نظم نوین جهانی است. قربانی شرایطی است که اسلامیتها و قوم پرستان ناسیونالیست کرد را قدرت رسانده و نیروها و ارزشهای عهد عتیق را به وسط صحنه آورده است. این است گوشه ای از زندگی زنان در عراق!

تروریسم دولتی آمریکا و حکومت قومی - مذهبی عراق، آنچنان ابزار خشونت افسار گسیخته مذهبی را ایجاد کرده اند که خانواده ای بعد از "مشورت" با نماینده پارتنی (حزب دمکرات) در کردستان عراق دختر خود را سنگسار می کند تا "ناموس و شرف" خود را حفظ کند! این

در عصر انفورماتیک و جهان قرن بیست یکم طی چند سال گذشته دهها زن بجرم رابطه جنسی خارج از ازدواج در کشورهای اسلامزده یا سنگسار شده اند یا به سنگسار محکوم گشته اند. موارد متعدد قتل ناموسی بجای خود محفوظ. اما نمونه سنگسار فردی به دست افراد خانواده اوج توحش و شقاوت است که به پرونده کتیف اسلامیتها اضافه شده است. در سال ۲۰۰۵ شاهد سنگسار زنی به نام آمنه توسط همسرش و نمایندگان مقامات دولتی افغانستان بودیم. اخیرا هم فیلم سنگسار دعا ۱۷ ساله روی خط خبرگزاریها رفت.

سنگسار یک پدیده کتیف مذهبی است که میراث یهودیت است و به اسلام رسیده است. هر ساله در جوامع اسلام زده تعدادی را وحشیانه سنگسار میکنند. گودالی میکنند، زنی را تا بالای سینه در خاک فرو میکنند و سپس به جانش می افتند تا ذره ذره و با پرتاب هر سنگی زجرکش و نابودش کنند. این قانون اسلام است. این جوهر اسلام است که به اجرا در می آید.

اما اسلام فقط یک ماشین جنایت نیست. ماشین توجیه جنایت و عوامفریبی و فریبکاری نیز هست. امروز در جوامع اسلام زده هم جنایت میکنند، هم جنایت را توجیه میکنند. در این جوامع نیروهای بخشهای متفاوت اسلام هم سنگسار میکنند و هم بخاطر سنگسار اظهار تاسف میکنند. هم از لغو حکم سنگسار حرف میزنند و هم در خفا سنگسار میکنند و هم اجرای حکم کتیف سنگسار را به عهده نزدیکترین

نامه ها

رها سعادت عزیز،

مطلب شما با عنوان از مارکسیسم تا حکمتیسم دریافت شد و در ستون آزاد سایت درج شد. منتظر مطالب بیشتر شما هستیم.

علی طاهری عزیز،

مطلب شما در پاسخ به مطلب رفیق مهرنوش موسوی دریافت و در ستون آزاد سایت درج شد. موفق و پیروز باشید.

پخش پوسترهای منصور حکمت

در اول مه و اعتراضات معلمان در دو هفته گذشته دستداران کمونیسم کارگری پوسترهای منصور حکمت را با شعار زنده باد سوسیالیسم همراه با بیانیه های فراکسیون در آبادان و تهران توزیع کردند. رفقای عزیز، گزارشهای شما دریافت شد. دستتان درد نکند.

دوستان کمیته حمایت از کارگران ایران- تورنتو

آگهی مراسم شب همبستگی با کارگران ایران به مناسبت روز کارگر دریافت و در همین شماره منتشر شد. خسته نباشید.

دوست گرامی محبوبه

نامه شما در مورد فعالیت هایان در جنبش آزادی زنان و حقوق کودکان دریافت شد. خسته نباشید. ما از این تلاشها استقبال میکنیم و خوشحال خواهیم شد که در رابطه نزدیکتری با هم همکاری کنیم. مسئله ما برخورد فرقه ای و ایدئولوژیک به واقعیت زنده نیست، تمام داستان فعالیت کمونیستی برای ما امر تغییر، سازمانگری و ایجاد اتحاد برای تغییر روی خط مشی کمونیستی و انسانی است. دست شما را بگرمی میفشاریم.

با درود

رفقا بدون تعارف و باز من نیز این حق را بخود میدم که حرف دلم

اتحاد توجه داریم اما نه یک توجه از سر لطف و مرحمت، بلکه از سر اصل بودن منفعت جنبش طبقاتیمان و ملزومات و نیازهای این جنبش. ما در اینراه تلاش میکنیم. اما باید هوشیار باشیم که اتحادی که ما از آن سخن میگوئیم اتحادی حول کمونیسم مارکسیستی منصور حکمت است نه اتحاد حول مینیم ها یا هر چیز دیگر. ما بدون خط و استراتژی سیاسی روشن بحث اتحاد را طرح نمیکنیم و اصولا فکر میکنیم چنین اتحادهایی موضوعیت ندارند. قربانت، سیاوش دانشور

پاسخ علی جوادی به چند نامه

با سلام رضا هستم از بوشهر- ایران

همه خواستار واژگونی این رژیم هستیم. نمیدونم چرا سایت شما رو هم فیلتر کردند؟ آگه ممکنه جواب من رو بدید. آیا ممکنه که توی این ۴ یا ۵ سال آینده رژیم ایران عوض بشه؟ آخه ولیعهد محمد رضا شاه پهلوی که توی ایران کاری نکرده پس از چی میترسه که نماید توی ایران. زنده باد حکومت شاهنشاهی ایران. زنده باد رضا شاه

دوست عزیز اکثریت عظیم

جامعه خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستند و سرنگونی رژیم حلقه ای در نظام سیاسی و اقتصادی ای است که برای آن تلاش میکنند. اما تصویر همگان از یک جامعه ایده آل یکسان نیست. اساسا دو افق پایه ای و متفاوت در برابر جامعه قرار داده شده است. افق کمونیسم کارگری و دیگری ناسیونالیسم پرو غربی. یکی پرچمدار آزادی و برابری و رفاه و رهایی انسان و مذهب ستیزی است. اما دیگری نوعی دیگری از استثمار، و استبداد را اما نه در قالبهای کنونی دنبال میکند. یکی خواهان حاکمیت مردم بر سرنوشت و زندگی خویش است،

دیگری خواهان حاکمیت سرمایه و سلطه نظام سرمایه داری است. امروز باید انتخاب کرد. به اردوی آزادی و برابری و رفاه بپیوندید.

جمهوری اسلامی یک نظام استبدادی تمام عیار است. سانسور و یا لغت پاستوریزه "فیلتر" سایتها یک اقدام کوچک آن است. این رژیم صد هزار اعدام است. دستگاه سرکوب و اختناق و آدمکشی است. سرنگونی رژیم یک خواست عمومی جامعه است. و مردم اکنون دست بکار بزیر کشیدن این رژیم هستند. رژیم رفتنی است. مساله گرهی اما شکل گیری رهبری جنبش سرنگونی و اعتراضات جامعه در سرنگونی این رژیم است. کمونیسم کارگری و طبقه کارگر رهبر برحق و شایسته این تحول عظیم اجتماعی هستند. مردم باید انتخاب کنند. کمونیسم کارگری نیز باید به صفی از رهبران جامعه شکل دهد. در صورت شکل گیری نیروی رهبری کننده جنبش سرنگونی در تمامی ابعاد آن رژیم اسلام قادر به دوام نخواهد بود.

رژیم جمهوری اسلامی هیچ چهره شناخته شده اپوزیسیون سرنگونی طلب را تحمل نخواهد کرد. رضا پهلوی یکی از این چهره ها است. در جمهوری اسلامی حتما گوشه زندان خواهد بود. اما ذکر یک نکته لازم است. من نظام شاهنشاهی و سلطنت را دون شان انسان میدانم. مردم رعیت نیستند که شاه داشته باشند! اگر خواهان آزادی هستید به جنبش کمونیسم کارگری بپیوندید.

آقای جوادی : شما انسان بزرگواری هستید همیشه تلاش وزحماتتان را پشت تلوزیون و در عرصه های دیگر دردم میستایم و قلبا دوستان دارم. من از اعضای حزب حکمتیست در تهران هستم. ازروزنه های امیدوارکننده در وحدت و یکپارچه شدن مجدد حزب منصور حکمت به وجد آمده ام. البته

نامه ها ...

در جریان تمام مباحثات بوده ام و این یک سادگی بی آرایش و انسانی و نه سیاست که با این همه تفاوت دوباره زیر یک سقف بود ولی با خواندن و دنبال کردن تفاوت‌های هر روزه شما با حمید و حزبش و نزدیکی واقعی فراکسیون با حکمتیست‌ها و همین‌طور خواندن مقاله مهرنوش خواستم ببینم لطفاً بطور شفاف چقدر تفاوت با خط و عملکرد حکمتیست‌ها با فراکسیون میبینید و مشکل شما باموجودیت حزب حکمتیست و مشخصاً عملکرد این یکسال ما چه هست و چرا نمیشه حول این خط که ماهیت فعالیت‌های این دوره بوده جمع شد. خواهش میکنم، به صداقت شما شک ندارم و شما انسان بزرگی هستید و به نظر من بیشتر از همه بوی نادر را میدهید. لطفاً شفاف دلایلی را که نمیشود فراکسیون و یا یکی از سازمان‌های حکمتیست شد را توضیح دهید. متشکرم

دوست عزیز از لطف و محبت شما متشکرم. من هیچگونه مشکلی با موجودیت حزب حکمتیست ندارم. هر چند که به برخی از مواضع سیاسی این حزب انتقادات معینی دارم، اما این رفقا را یک نیروی مهم در جنبش کمونیسم کارگری میدانم. خواهان برقراری مناسبات دوستانه و کمونیستی با این رفقا و کلاً خواهان نزدیکی بیشتر کل نیروهای جنبش کمونیسم کارگری هستم.

اصلی‌ترین نقد من به حزب حکمتیست در زمینه منشور سرنگونی این رفقا است. خواهان این هستم که در پس سرنگونی رژیم اسلامی به رهبری کمونیسم کارگری کل پروژه سوسیالیسم را فوراً پیاده کنم. هیچ مرحله و یا محدودیتی برای پیاده کردن تمامیت برنامه کمونیسم کارگری نمی‌بینم. می‌پذیریم که اکثریت عظیم توده‌های مردم به گرد پرچم کمونیسم کارگری در تحولات آتی الزاماً متحد نخواهند شد، اما باید

تلاش کنیم تا سرنگونی را با پیروزی کمونیسم و پیروزی طبقه کارگر همراه کنیم. در زمینه برخی مواضع سیاسی جانبی نیز نقدهای معینی به مواضع این رفقا دارم که شاید در این میان باید به موضع حزب حکمتیست در زمینه جنگ اسرائیل و حزب الله اشاره کرد. در زمینه سیاست‌های عملی به برخورد "پاسیو" این رفقا در قبال تحرکات جریانات ناسیونالیستی باید اشاره کنم. این رفقا علیرغم موضع رادیکال خود در قبال این جریانات به لحاظ عملی در زمین واقعی سیاست "پاسیوی" را دنبال میکنند. زمین را برای تحرک آنها خالی میگذارند. فرصت بررسی همه جانبه در اینجا نیست. در این زمینه بعداً باید مفصلاً صحبت کرد.

سلام آقای جوادی حالتون که خوبه؟ اینجا تو آبادان تمام خیابان‌های منتهی به اداره کار رو کنترل میکنند. امروز و هر کسی را نمیگذارند به اداره کار نزدیک بشه. راستی ببخشید که کمی حول شدم وقتی که بهتون تلفن زدم تو برنامه تون برای اول ماه مه آخه هر کسی با یک آدمی بزرگی مثل شما صحبت کند حول میشود. دیگه به بزرگی خودتان ببخشید.

دوست عزیز از لطف شما عمیقاً متشکرم. رژیم در هراس از برگزاری اول ماه مه دست به هر اقدام سرکوبگرانه‌ای زد. سرکوب کرد. دستگیر کرد. اما نتوانست جلوی ابراز وجود طبقه کارگر در این روز را بگیرد. این تازه آغاز کار طبقه کارگر و جنبش ماست.

رفیق علی جوادی توهین‌ها، تخطئه‌ها و جوسازی علیه فراکسیون پایانی ندارد ولی چه بهتر که شما و بقیه رفقا اصلاً وارد تفسیر و پاسخ مقالات نارقیقانه جدل آنلاین نشوید. چرا که اولاً انرژی شما را به هدر داده و مبارزه با رژیم را به مبارزه با رفقای کمونیست تبدیل میکند. ثانیاً باعث میشود که شما نیز ناخواسته وارد عرصه توهین و جنگ لفظی شوید که سرنوشتی جز تضعیف حزب و اضمحلال آن نخواهد داشت. و ثالثاً دشمنان حزب را در مبارزه با

کمونیسم کارگری مسلح‌تر خواهد کرد. بنابراین خواهش میکنم راه خودتان را بروید و طبق میثاق اولیه پتان برای تبدیل پلاتفرم‌تان به پلاتفرم رهبری حزب تلاش کنید. من معتقدم که با روش اشتباهی که رهبری حزب در برخورد با فراکسیون در پیش گرفته است یا باید شاهد تضعیف تدریجی حزب خصوصاً در داخل کشور باشیم و یا بالاخره در یکی از کنگره یا پلنوم‌ها تغییرات مهمی در ترکیب رهبری حزب رخ خواهد داد. با اینحال نباید از یاد ببریم که رفقای دفتر سیاسی، منتخب اکثریت اعضای حزب هستند و هرکس که میخواهد در ترکیب رهبری تغییری ایجاد کند باید ابتدا در میان بدنه حزب "محبوبیت" پیدا کند و خطوط فکری و حقانیت عقاید خود را برای این بدنه اثبات کند، بدون آنکه وارد جنگ لفظی و انتقادات ملانقطی بشود. در ضمن شکی نیست که کوچکترین لغزشی از سوی شما توسط طرف مقابل اگر اندیشمندان خواهد شد (همانطور که شما نیز در مورد همین قطعنامه‌ی دفتر سیاسی در پاره‌ای موارد چنین کرده‌اید (اکنون نقطه قوت رهبری حزب در مقابل فراکسیون عبارتند از ۱- حمایت ضمنی شما از اسماعیل مولودی. زیرا برغم آنکه در نهایت، تقریباً برای همه مسجل شد که نوید همان اسماعیل است شما هرگز او را بعنوان انسان دونماید ای که بدترین و حقیرانه‌ترین عمل را علیه حزب انجام داد (وحتی شهادت دفاع از عمل خود را نداشت) محکوم نکردید. ۲-

رهبری حزب شما را متهم میکند به اینکه چون در انتخابات شکست خورده‌اید و نتوانسته‌اید رهبری حزب را بدست بگیرید تلاش میکنید با روش‌های غیر دموکراتیک رهبری را زیر ضرب بگیرید. من بر خلاف مورد اول این مورد دوم را قبول ندارم ولی برای رفع هرگونه شائبه‌ای خواهش میکنم که برغم همه متلک‌ها و توهین‌های مستقیم و غیر مستقیم ایشان، شما از موضع‌گیری‌ها و تاکتیک‌ها و شعارهای درست رهبری نیز یاد

ما از ابتدا منتقد عمیق پدیده نوید بشارت بودیم. اطلاعات حزب علیه تشبیهات نوید بشارت را رفیق سیاوش دانشور تهیه کرد. به مصاحبه‌های من در رادیو شراره ها و یادداشت‌هایم در "آخر هفته" در

یادداشت سردبیر...

نازل کند که "اعتصاب حرام است و روز کارگر ممنوع است" نمیشود جلوی سنت اول مه و جنبش رو به رشد و بالنده کارگری را گرفت. جمهوری اسلامی مجبور است فعالین کارگران کارگری را آزاد کند. مجبور می‌کند که اینکار را بکند. اما باید تلاشی متحد و گسترده را صورت دهیم تا کارگران و خانواده هایشان را در یک جنگ فرسایشی و اداری نیاندازند. باید همه جا اسم و عکس رهبران کارگری دستگیر شده را منتشر کنیم. همه جا انواع ابتکارات را بکار ببریم تا توجه ها به اعتراض کارگری و جنبش اول مه در ایران معطوف شود. همه جا جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار دهیم و بعنوان یک رژیم ضد بشر، ضد کارگر و ضد زن معرفی کنیم. در دوره اخیر یورش به زنان، دستگیری فعالین اعتراضات معلمان، دستگیری فعالین کارگری و اعتراضات دانشجویی مستمرا ادامه داشته است. اما متقابلا اعتراض و تعرض و ایستادگی هم در جریان بوده است. رژیم اسلامی تاکنون باخته است و باید ناچارش کنیم کارگران زندانی و کلیه فعالین دستگیر شده را آزاد کند. اول مه را ما بردیم و رژیم باخت، در تداوم نیز باید رژیم اسلامی سرمایه داران را به عقب نشینی وادار کنیم. ما هر فعالیت و تلاش برای آزادی دستگیر شدگان را ارج میگذاریم و از همه دعوت میکنیم که به این کمپینها و تلاش ها بپیوندند. سازماندهی یک تلاش وسیع و بین المللی در حمایت از جنبش کارگری و تلاش برای آزادی فعالین دستگیر شده اجتماعات و اعتراضات اخیر یک اولویت فعالیت همه باید باشد. آزادی کلیه زندانیان سیاسی از این مسیر میگذرد.

جنگ حجاب

خیابانهای تهران و شهرهای

ایران هر روز صحنه درگیری و مشاجره زنان با نیروهای رژیم است. امسال بیش از سالهای گذشته علیه "بدحجابی" نیرو به خیابانها ریخته اند. جریمه میکنند، پرونده سازی میکنند، باتوم میزنند، گاز فلکل میپاشند، دستگیر و زندانی میکنند، اما حریف نمیشوند! اخیرا امت حزب اله را به خیابان آوردند و علیه "بدحجابان" شعار دادند! در مواردی سخن از تبعید "بدحجابان" و انتقال به اردوگاه است! هرچه بیشتر رژیم حمله میکند و بیشتر با مقاومت و جسارت زنان روبرو میشود، پای محلل های سیاسی بیشتر باز میشود. ناگهان برخی گنده آیت الله ها اعلام میکنند "بدرفتاری با مردم جایز نیست"! رویشان نمیشود بگویند اینکارها فایده ندارد، پاسخ نمیدهد، فکری دیگر بکنید! خود را آماده عقب نشینی میکنند. مردم هم سیگنال ها را خوب تشخیص میدهند. در هر دور تلفات میدهند اما پیشروها بمراتب پایدار تر است. جنگ حجاب اما تنها برسر حجاب نیست، جنگی برسر دین و اسلام و دفاع از حقوق فردی است. جنگی برسر نخواستن رژیم اسلامی است. پاسخ سلبی به قوانین آپارتاید اسلامی است. سیاست اعمال قوانین اسلامی و نظام آپارتاید جنسی شکست خورده است. سیاست ارباب و حزب اله چرخانی دیگر اثر ندارد! میگویند ایران کشور مانکن هاست! گویا اوانل این مانکن ها "محدود" بودند اما حالا همه مانکن شده اند! برخی فضلالی مرتجع و "دگراندیش" و "نو اندیش" اسلامی دارند جلو می آیند و تلاش میکنند روند عقب نشینی رژیم در مقابل زنان را فرموله کنند!

اما تظاهرات حزب الله علیه "بدحجابی" در نوع خود جالب است. این یک قافیه تنگی بود که بعد از اینهمه سرکوب و دستگیری و کشمکش خیابانی لازم شد. همینطور بحث سرکوب در

دانشگاه و "انقلاب فرهنگی دیگر" و بحث "براندازی نرم" جالب است. از همه جالبتر قبل و قال جدید و ائتلاف گسترده بخشی از رژیم برای مقابله با احمدی نژاد و "انتخابات" آینده مجلس رژیم اسلامی است. این اسامی رمز بر یک روند بنیادی در مورد رژیم اسلامی تاکید میکند؛ یک سیاست برای حفظ جمهوری اسلامی و ارزشهای اسلامی تاروهای "یا روسری یا توسری" و "انقلاب فرهنگی" میخواهد پیش برود و سیاست دیگر هشدار میدهد که نمیشود، تاثیر ندارد، باید کنترل شود و با این سیاستها نمیتوان جلوی مردم را گرفت. این بن بست و الاکلنگ حکومتی البته در هر دوره بسته بندی جدیدی دارد اما در محتوا و هدف یکی است. نکته اینجاست که رژیم نه میتواند شکست را بپذیرد و نه میتواند شکست را تحمل کند. هر دور تلاش قویتری میکند و در مجموع عقب نشینی بیشتری متحمل میشود. حمله وسیع به زنان و اجتماعات کارگران و دستگیری معلمان به جایی نرسیده است. تلاش دایناسورهای اسلامی امتحان پس داده که هر چند سال یکبار عباي بوگندوی اصلاحات دینی را اطو میکشند هم بجایی نخواهد رسید. باید دست رژیم اسلامی را از زندگی مردم کوتاه کرد. مرگ بر حکومت طالبان، چه در کابل چه تهران!

تظاهرات استکهلم

روزهای گذشته استکهلم شاهد یک رویارویی و اجتماع پرشور علیه حضور منوچهر متکی وزیر خارجه رژیم اسلامی بود. در استکهلم سنتا جمهوری اسلامی شکست خورده است و هر آمد و رفت سرانش با بی آبرویی برای رژیم تمام شده است. اما اینبار صدای زنان دستگیر شده و اعمال فشار به زنان، صدای رهبران کارگری دستگیر شده در اول مه، صدای زندانیان سیاسی همراه با شعار

مرگ بر جمهوری اسلامی بلند تر بود. حساسیت مردم آزادیخواه به حضور رژیم وسیع تر بود. تظاهر کنندگان آزادیخواه با شهامت با پلیس درگیر شدند و علیه سیاست دولت سوئد و رژیم اسلامی در طول روز تلاش کردند. دهها خبر و گزارش در رسانه ها منتشر شد و این سفر به یک بی آبرویی برای رژیم اسلامی تبدیل شد. متکی ناچار شد بگوید فعالین حقوق زن در ایران را که دستگیر شدند آزاد میکنند و با رندی آخوندی در مقابل سوال خبرنگاران مبنی بر اعتراض مردم آزادیخواه بیرون سالن، بگوید که "دولت سوئد حق اعتراض را برای مخالفین برسمیت بشناسد و پاسداری کند"!؟ این مرتجعین وقتی مانور دیپلماتیک میدهند میخواهند قورباغه را رنگ کنند و به نرخ فولکس واگن به مردم بفروشند، اما تنها با تمسخر مردم و افکار عمومی روبرو میشوند. استکهلم و تهران و سئندج صحنه های یک مبارزه واحد علیه جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی جانی در خارج کشور ندارد و میرود که برای همیشه نداشته باشد. باید مراکز و سفارتخانه هایش را بست. این کار ما اپوزیسیون رادیکال و سرنگونی طلب و طیف گسترده ایرانیان آزادیخواه و سکولار است. خارج کشور را باید به پایگاه جنبش آزادی و برابری تبدیل کرد. دست تمامی شرکت کنندگان و سازماندهندگان این اجتماع درد نکند. خسته نباشید!

ماهواره و الک

درد جمهوری اسلامی یکی دو تا نیست. این عکسها بدون شرح اند. نشان میدهند که اسلام در ایران تا چه حد "ریشه" دارد!



ستون آخر

سیاوش دانشور



کارگران و فاشیسم ضد افغان

دفاع از کارگران و شهروندان افغانستانی و محکوم کردن سیاست پاکسازی قومی جمهوری اسلامی یک وجه ثابت قطعنامه های اول مه امسال بود. شاید طبقه کارگر در ایندوره عملاً نتوانست سدی در مقابل قلع و قمع هم طبقه ایهایش توسط جمهوری اسلامی ایجاد کند و یا این سیاست را به شکست بکشانند، اما اعلام موضع در مقابل تهاجم گسترده و فاشیستی رژیم در اول مه اهمیت سیاسی بالایی دارد. رژیم اسلامی در دوره اخیر به سبانه ترین شکل ممکن پروژه دستگیری و اخراج دسته جمعی کارگران افغانستانی را در دستور گذاشت. در اکثر موارد به ضرب و شتم آنان پرداخت، اموالشان را مصادره کرد، یک کارگر را به قتل رساند، و تعداد زیادی را مجروح و دیپورت کرد. تصاویری که از مصدومین در بیمارستان هرات مخابره شد تنها یک گوشه کوچک از یک توحش بزرگتر در حال جریان است. در کنار این سببیت فاشیستی - اسلامی، تاراج و باجگیری از این شهروندان محروم توسط قداره بندهان خیابانی رژیم اسلامی ادامه دارد. اگر دقت کنید این عملیات فاشیستی در دوره ای انجام میشود که رژیم اسلامی در شبپور ناسیونالیسم اتمی میدمد و تلاش میکند با تبلیغ سموم ملی و تحریک ناسیونالیستی نیرو بسیج کند و یا لاقل مردم را در متن فقر و فلاکت عمومی خود در مقابل تهاجم به مهاجرین افغانستانی به سکوت وادارد.

سیاست اخراج شهروندان افغانستانی اگرچه تاکنون با زور پیش برده شده اما در میان کارگران و جنبش آزادی و

برابری با اعتراض روبرو شده است. اعتراض طبقه کارگر در اول مه به این سیاست ضد بشری و فاشیستی تاکیدی بر هویت جهانی و طبقاتی و انسانی کارگر است. این دفاعی فرمال و تشریفاتی نیست، "بجا آوردن اصول" در یک روز معین نیست، بلکه تاکیدی بر همسرنوشتی طبقاتی و هویت واحد کارگران جهان علیه سرمایه داری است. طبقه کارگر در ایران در اول مه پرچم ملی و هویت کاذب ملی و اسطوره منافع ملی را به زیر کشید و بر انسانیت و منافع طبقاتی و انترناسیونالیستی تاکید کرد. طبقه کارگر در اول مه اعلام کرد که ناسیونالیسم و هویت ملی ضد کارگر است، ضد بشر است، چماق سرمایه است، نفرت طبقاتی است که اتفاقاً مرز نمیشناسد! کدام کارگر آگاه و انسان معترض نمیداند که باتوم و گاز اشک آور پلیس ترکیه و رژیم اسلامی علیه اول مه کارگران در استانبول و سنج در دفاع از اصل حاکمیت زور و استثمار و بردگی مزدی است؟ پلیس و ارگان سرکوب در ایران و ترکیه و همه جای جهان علیه کارگران یک زبان دارد و کارگر نیز در همه جای جهان ناچار است به یک زبان واحد با آن روبرو شود.

کارگر ناچار است هر روز و هر لحظه برای زره زره منافع و حقوق اش بجنگد اما در عین حال میداند که برای آزادی خود و کل جامعه باید کل این بساط را زیر و رو کند. کارگر سوسیالیست و کمونیست میداند که پیشروی در هر سنگر و در هر گوشه نبرد اجتماعی و طبقاتی به معنی پیشروی کل طبقه و جنبش کمونیستی و سوسیالیستی طبقه است و متقابلاً شکست و تحمیل عقب نشینی تأثیرات منفی اش را بر حرکت و عمل جنبش طبقاتی میگذارد. کارگر به این اعتبار ضد

جامعه کمونیستی یک آرزو و یک مدینه فاضله خیالی نیست. تمام شرایط پیدایش چنین نظامی، در دل همین جهان موجود سرمایه داری فی الحال فراهم شده اند. توان علمی، تکنولوژیکی و تولیدی انسان امروز چنان ابعاد عظیمی پیدا کرده است که پی ریختن جامعه ای معطوف به رفع نیازها و تامین آسایش همگان کاملاً مقدور است. انقلابات الکترونیک و انفورماتیک دهه های اخیر و تحولات شگرف در ابزارها و روش های ارتباطاتی و اطلاعاتی سمعی و بصری، سازمان دادن یک جامعه جهانی و شرکت همگانی در طراحی و برنامه ریزی و اجرای امور گوناگون جامعه را پیش از پیش میسر ساخته است. بخش عظیمی از این توان تولیدی هم اکنون با به اشکال مختلف به هدر داده میشود و یا عامدانه مصروف ممانعت از بکار بستن این امکانات در خدمت رفع نیازهای بشر میشود. اما علیرغم همه عظمت امکانات مادی جامعه، پشتوانه اساسی جامعه کمونیستی را نیروی خلاقه و زنده میلیاردها انسانی تشکیل میدهند که از اسارت طبقاتی، از بردگی مزدی، از اسارت معنوی و از خود بیگانگی و از حقارتی که نظام موجود به آنها تحمیل میکند رها میشوند. انسان آزاد، ضامن تحقق جامعه کمونیستی است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری



ناسیونالیسم است. کارگر "منفعت ملی" ندارد، "روز ملی" ندارد، "تاریخ ملی" ندارد، "فرهنگ و سنت ملی" ندارد، "عرق ملی" ندارد، "هویت ملی" ندارد، کارگر "وطن" ندارد! اینها همه زنجیرهای بردگی اند که به دست و پای نسلهای متمادی کارگران بسته اند. کارگر و جنبش برای آزادی جامعه، برای پیشروی ناچار است تمام سنگرهای ارتجاع و عقب ماندگی را درهم بکوبد. انترناسیونالیسم کارگری و هویت طبقاتی و جهانشمول و انسانی کارگر نقطه شروع جنبش کمونیستی طبقه کارگر است. مقابله دائم با اشکال متنوع ناسیونالیسم و افقهای ناسیونالیستی در درون طبقه و کل جامعه، و مقابله اخص و فوری با فاشیسم ضد افغان و ضد "خارجی" رژیم اسلامی، یک وظیفه تعطیل ناپذیر جنبش طبقه کارگر سوسیالیست برای آزادی کل جامعه است.

اول مه امسال گام محکمی در این مسیر بود و لازم است این اعتراض طبقاتی در اشکال متنوع همبستگی کارگری و انسانی بسط یابد. حمایت از کارگران و شهروندان افغانستانی، مقابله با یورش اسلاميون فاشیست برای شکار و دستگیری این کارگران، محکوم کردن این عمل جنایتکارانه رژیم بعنوان یک یورش به طبقه کارگر ایران، اعلام موضع و طرح خواسته و شعار در اجتماعات، و جلب همبستگی جهانی هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان، از جمله محورهای کار در تقابل با این سیاست ضد بشری و ضد کارگری جمهوری اسلامی است. علیه فاشیسم ضد افغان متحدانه تلاش کنیم!

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!